

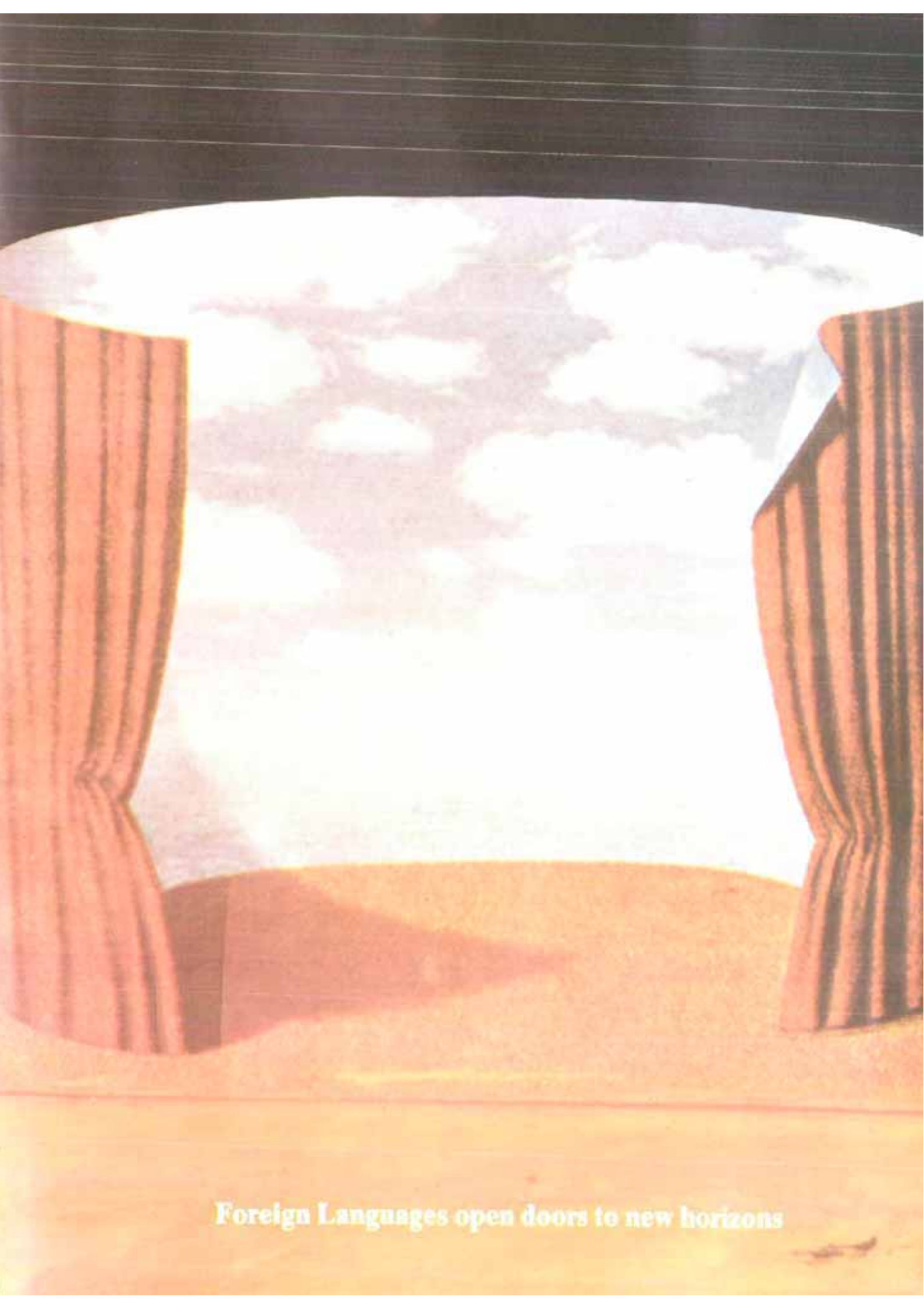
LANGUE LANGUE LAN
SPRACHES SPRACHES SPR
LANGUAGES LANGUAGES LANG
CHES SPRACHES SPRACHES
JAGELANGUAGES LANGUAGES

رشد آموزش زبان

سال دوم - شماره ۶ - پائیز ۱۳۶۴ - بها: ۱۰۰ ریال



The Journal



Foreign Languages open doors to new horizons

نشان

سال دوم شماره ۱ بهائیز ۱۳۶۵

نشریه گروه زبان دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و
تألیف کتابهای درسی

نشانی: خیابان ایرانشهر شمالی ساختمان شماره ۴ -

تلفن: ۸۳۲۰۲۱

سردبیر: دکتر صادقیان

تولید: واحد مجلات رشد تخصصی

روی جلد از: میترا فرامرزی نیکنام

صفحه آرا: خالد قهرمانی دهبکری

پیشگفتار

با این شماره سال دوم انتشار مجله را آغاز می‌کنیم. به جا خواهد بود اگر پیش از معرفی مقالات نظری اجمالی به وضع آموزش زبانهای خارجی در مدارس کشورمان بیاندازیم و نقشی را که یک نشریه علمی می‌تواند در بهبود آن داشته باشد یادآور شویم. زبانهای انگلیسی، آلمانی و فرانسه در مدارس ما به‌عنوان زبانهای خارجی آموزش داده می‌شود. دانش‌آموزان از سال اول راهنمایی یعنی و قتیکه حدود ۱۲ سال دارند به فراگیری یکی از زبانهای خارجی می‌پردازند. مسائل مطرح در آموزش یک زبان خارجی را می‌توان به ترتیب زیر خلاصه کرد:

- هدف‌های آموزش زبان خارجی و جای آن در برنامه‌های آموزشی مدارس.

- تربیت و آموزش دبیران زبان پیش از خدمت و ضمن خدمت.

- کتاب‌های درسی، طرز تهیه، تدوین و کاربرد آنها در کلاس.

- تک زبانی یا چندزبانی در برنامه زبان خارجی مدارس.

- تعریف دقیق هدف‌ها در هر آموزش نقش اساسی در موفقیت آن آموزش دارد. اطلاع از این هدف‌ها برای هر یک از افرادی که در این آموزش نقشی دارند، از برنامه‌نویس آموزش گرفته تا خود دانش‌آموز مدرسه راهنمایی ضروری است منتهی زبان و نحوه بیان این تعریف نباید برای همگان یکسان باشد. تعریفی که از این هدف‌ها در اختیار برنامه‌نویس آموزشی گذاشته می‌شود باید او را در طرح برنامه و محتوی آموزش کمک کند و تعریفی که در اختیار تهیه‌کننده مطالب و

مجله رشد آموزش زبان هر سه ماه یک بار به منظور اعتلای دانش دبیران و دانشجویان دانشگاهها و مراکز تربیت معلم و آشنایی آنان با شیوه‌های صحیح تدریس زبان منتشر می‌شود.

فهرست

پیشگفتار	سردبیر
ضرورت آموزش زبان‌های خارجی	دکتر حداد عادل
شوق یادگیری (۳)	مجدالدین کیوانی
دیگه در آموزش زبان فرانسه	دکتر سیدحامد رضیعی
افعال سببی	فرزانه فرخزاد
اخبار گروهها	
نکته‌ها	
مروری کوتاه بر...	احمد صفار مقدم
شناخت روشهای زبان خارجی	محسن شریفی مقدم، صدیقه وجدانی
وضعیت کتب درسی	
پرسش و پاسخ	
رسانه آموزشی در زبان محاوره‌ای	تقی تقوی نژاد

How Translation...
Suggestions about
Fundamental...

K.Mahmood-zadeh
J.B.Sadeghian
Hossein Farhady



کتاب درسی گذاشته می شود باید او را در تدوین کتاب یاری دهد و تعریفی که در اختیار دانش آموز گذاشته می شود باید مشوق او در یادگیری بوده شوق یادگیری را در او برانگیزد. تمام کسانی که به نحوی در آموزش زبان خارجی در مدارس کشورمان نقشی دارند کم و بیش بر این واقعیت واقفند که گنجاندن درس زبان برای دستیابی به کدام هدفها در برنامه آموزشی مدازسن در نظر گرفته شده است. اختلاف نظر تنها در این است که کدام هدف مرجح و مهمتر است. گروهی که اعتقاد بر تقدم هدفهای ضمنی و پرورشی آموزش زبان خارجی دارند چنین استدلال می کنند که نمی توان بسامید اینکه در آینده ای دور تنها عده بسیار قلیلی با احتمالی ضعیف نیازمند تسلط به زبان خارجی در رابطه با شغل و حرفه خود خواهند بود عده کثیری را هر سال وادار به فراگیری یک زبان خارجی نمود. این گروه پیشنهاد می کنند که برای حل مشکلات آموزش زبان خارجی باید آموزش آنرا از سالهای آخر دبیرستان شروع و صرفاً به افراد و گروههایی که نیاز آنها به زبان خارجی با احتمال بیشتر قابل پیش بینی است محدود کرد. گروهی دیگر که اعتقاد بر تقدم هدفهای آتی و کاربردی آموزش زبان خارجی دارند ضمن اشاره بر اصل تساوی فرصت های آموزش و پرورش چنین اظهار نظر می کنند که اگر هدفهای کاربردی و عملی زبان را از مد نظر دور نداریم آنچنان تأثیر نامساعدی بر روش های تدریس و محتوی کتاب های درسی خواهد گذاشت که بی شک این آموزش را به بیراهه خواهد کشاند. به نظر نویسنده، یک نشریه علمی نظیر رشد آموزش زبان خارجی با درج مقالات مناسب و تشکیل میزگردهایی با شرکت افراد صاحب نظر می تواند ضمن آگاه ساختن بیشتر دبیران زبان از هدف های آموزش زبان، دست اندرکاران و مقامات تصمیم گیرنده را نیز در انتخاب هدف های والاتر یاری دهد.

— معلم خوب شاید به اندازه یک دانش آموز خوب و بیش از هر عامل دیگر در موفقیت آموزش مؤثر است. یک بررسی ساده نشان می دهد که اغلب مشکلات مادر امر آموزش به ویژه آموزش زبانهای خارجی بعلت نبود یا کمبود معلم مسلط و واجد شرایط می باشد، ما به اندازه کافی زمان، انرژی و امکانات برای تربیت و آموزش کسی که امرار معاش را برای معلمی بخواهد نه معلمی را به خاطر امرار معاش

در اختیار نداریم. دبیران زبان مدارس را اکثرأ فسارغ التحصیلان دانشسراها و مراکز تربیت معلم تشکیل می دهند. در ادارات آموزش و پرورش دفتری به نام دفتر آموزش ضمن خدمت وجود دارد که عهده دار آموزش ضمن خدمت دبیران است. این دفتر هر چند گساه گردهمایی هایی را ترتیب می دهد تا دبیران را از راه و رسم های نوین آموزش آگاه سازد و نگهدارد که دبیران آنچه را که در دوران تحصیل خود آموخته اند به فراموشی بسپارند لکن این فعالیت کافی نیست. یک نشریه علمی و صنفی مثل رشد آموزش زبان خارجی بسا بررسی برنامه های آموزشی دانشکده ها، دانشسراها و مراکز تربیت معلم و تماس با نمایندگان دفاتر آموزش ضمن خدمت علاقمندان را از چگونگی این برنامه ها آگاه سازد. تربیت و آموزش معلم واجد شرایط خوب و شایسته کار ساده ای نیست. معتقدیم این امر بطور شایسته مورد توجه دست اندرکاران آموزش و پرورش کشورمان قرار نگرفته است. رشد آموزش زبان خارجی آمادگی همکاری خود را با کلیه سازمان هایی که در این مهم نقشی دارند اعلام می دارد. صفحات این نشریه آماده درج هر گونه نظر سازنده در این مورد خواهد بود.

— اهمیت یک کتاب درسی آموزش زبان وابستگی زیادی به معلم دارد. هر چه معلم به کار خود مسلط تر و مجرب تر باشد کتاب درسی از اهمیت کمتری برخوردار خواهد بود. چون اذعان داریم که در تربیت و آموزش معلم های خود هنوز به سطح کمال نرسیده ایم لاجرم این را هم باید قبول کنیم که بی کمک یک کتاب خوب، آموزش مؤثر زبان خارجی در مدارس ما امکان ندارد. با وجود اینکه معتقدیم معلم یک کلاس بیش از هر صاحب نظر دیگری می تواند به جرات بگوید که شاگردان او چگونه زبان را فرا می گیرند و در مورد محتویات آنچه را که باید فرا گیرند می تواند اظهار نظر نماید لکن هنوز بآن زمان که هر معلم بتواند مطالب درسی خود را خود تهیه و تدوین کند نرسیده ایم. نحوه تهیه مطالب درسی، طرز استفاده از آنها در کلاس درس، وضعیت کتابهای درسی مورد استفاده در مدارس و بطور کلی نقش کتاب در آموزش زبان خارجی مباحثی هستند که در این موارد تجربه کمی اندوخته ایم می توانیم آنها را از یکدیگر بیاموزیم. در نظر داریم در شماره های امسال چند صفحه را باین موضوع اختصاص دهیم تا ضمن



دوباره دارد.

بخش آلمانی این شماره را با مقاله‌ای در مورد روش‌های تدریس زبان آغاز می‌کنیم. نویسنده در این مقاله به زبان آلمانی روش‌های معمول تدریس را معرفی می‌کند که امیدواریم مرجعی باشد برای آن دسته از همکارانمان که زبان آلمانی را تدریس می‌فرمایند. در بخش انگلیسی دو مقاله داریم. مقاله نخست، بخش سوم سری مقالات درباره آزمون و آزمون‌سازی است. در آن نویسنده ضمن معرفی صریح و روشن بر مراحل تهیه یک آزمون، مشخصات آزمون زبان را بررسی می‌کند. مقاله دوم این قسمت پیشنهادهایی را در مورد آموزش خواندن زبان خارجی مطرح می‌سازد. نویسنده در تشریح این نکته می‌کوشد که اگر چه انتخاب مهارت خواندن به عنوان هدف آموزش زبان‌های خارجی به جودلیل قابل توجیه می‌باشد ولی نمی‌تواند به دیگر مهارت‌های زبان‌آموزی آنکه وقتما باید آن‌ها را بیاموزیم، جایگزین خواندن امکان‌پذیر نبوده. موجب شد تا در روش‌های یادداشت تدریس و تألیف کتاب‌های غیرمفید خواهد بود. در این شماره نیز به روال شماره‌های پیشین در بخش «نکته‌ها» مطالب جالبی در رابطه با زبان و آموزش زبان گرد آورده‌ایم. در بخش پاسخ به نامه‌ها چند نامه را پاسخ داده‌ایم.

گروه‌ها نیز شما را از آنچه که در دفتر تحقیقات در رابطه با آموزش زبان اتفاق می‌افتد یا قرار است اتفاق بیفتد آگاه می‌سازند. امیدواریم سالی را که با انتشار این شماره آغاز می‌کنیم سالی پر بار و پر آر موفقیت باشد. یک نکته را هم از قلم نیاندازیم که اگر شماره ۴ سال یک را با کیفیت خوب و انشاءالله بدون اشتباه چاپی به دست شما رسیده در نتیجه زحمات شبانه‌روزی گروه آماده‌سازی و تولید دفتر تحقیقات بوده که جا دارد با صمیمیت قدردان زحمات آنها باشیم. سردبیر



بررسی اشکالات کتاب‌های فعلی مقالاتی در مورد تهیه و تدوین مطالب درسی و کاربرد آنها در کلاس در اختیارمان قرار دهیم. در سال‌های اخیر تأکید بیشتر بر این نکته بوده است که در مدارس بجای آموزش یک زبان خارجی، یعنی زبان انگلیسی، زبان‌های خارجی دیگر مثل فرانسه و آلمانی نیز تعلیم داده شود. این تأکید را می‌توان از چند نظر قابل توجیه دانست ولی نباید این نکته را از نظر دور داشت که موفقیت ما در آموزش همان یک زبان هم چندان قابل توجیه نباشد. اکنون که می‌خواهیم بجای یک زبان، زبان‌های خارجی دیگری را هم تعلیم دهیم آیا امکانات ما هم بیشتر شده است؟ چنین نظر را هر چند که امکانات بیشتر شده ولی با چند نکته قابل توجیه می‌توانیم به امکانات کمتری می‌روند چون آموزش زبان‌های دیگر از زبان انگلیسی آسان‌تر است. با توجه به این که امکانات زبان‌های انگلیسی را با زبان‌های دیگر مقایسه می‌کنیم، پیشنهادها را در آنگاه می‌توانیم.

مقالات این شماره را با متن سخنرانی دکتر حداد عادل معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در باشگاه معلمان آغاز می‌کنیم. در این سخنرانی پس از ذکر سابقه آموزش زبان‌های خارجی در اسلام؛ دلایل غیر قابل انکار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضرورت آموزش زبان به تفصیل بیان شده است. در پایان چنین نتیجه‌گیری می‌شود: «مجموع این دلایل اثبات می‌کند که سادگی و سهولت به زبان خارجی جدی باشیم و این امر را از وزارت آموزش و پرورش شروع کنیم». مقاله بعدی، بخش سوم از مجموعه نوشته‌هایی در مورد شوق یادگیری است. در این مقاله، نویسنده به تحلیل پاره‌ای از عوامل ایجاد و تقویت انگیزه یادگیری می‌پردازد. نویسنده معتقد است که شیوه‌ها و روش‌های مناسب تدریس از عواملی می‌باشند که شوق یادگیری را در زبان آموز ایجاد و تقویت می‌کنند. مقاله سوم، نوشته‌ای است کوتاه درباره افعال شقی که نظر نویسنده مقاله طرح این نوع ترکیبات در کتاب‌های آموزشی و تمرین آن‌ها در این کتاب‌ها نیاز به بررسی

ضرورت آموزش زبان‌های خارجی

بسم الله الرحمن الرحيم

از اینکه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی توفیق تشکیل این گردهمایی را برای عده‌ای از دبیران زبان از سراسر کشور بدست آورده باید خدا را شکر گزار بود. اینجانب نیز به سبب فرصتی که برای ادای سخن در این جمع نصیب شده از همکاران عزیز خود در گروه زبان تشکر می‌کنم.

دکتر حداد عادل معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

می‌شود اما در قرآن تعدد زبان یکی از آیات الهی است. این دو نکته در این حد از قرآن به عنوان اشاره کافی است. بدنیست که ما به سنت رسول گرامی اسلام نیز اشاره بکنیم پیامبر اسلام نه تنها به امر سوادآموزی اهتمام داشتند چنانکه می‌دانید در یکی از جنگها شرط آزادی اسیران دشمن را این قرار دادند که مسلمانهای بی‌سواد را سواد بیاموزند و هر اسیری که توانست یک مسلمان بی‌سوادی را باسواد کند، یا چند مسلمان را، می‌تواند آزاد شود.

اما نکته جالبتر دیگری که به کار شما مربوط است این است که پیامبر یکی از اصحاب خود را به نام زید فرمان داد تا زبان سریانی بیاموزد و این در حالی بود که چند سالی بیشتر از پیدایش حکومت اسلامی در مدینه نمی‌گذشت. پیامبر به زید فرمود چون قراردادهایی که ما با دیگران می‌بندیم به زبان سریانی است من خوف آن دارم که اینها در متون سریانی مطالبی غیر از آنچه باهم قرار می‌گذاریم بیاورند پس تو زبان سریانی یاد بگیر. پس معلوم می‌شود که آموزش زبان خارجی در اسلام عمری برابر با عمر خود اسلام دارد. اما اگر تعقل کنیم علاوه

آسمانها و زمین است و اختلاف زبانهای شما، و اختلاف رنگهای شما، همانا در اینها نشانه‌هایی برای دانشمندان است.» در این آیه اختلاف زبان یکی از آیات الهی شمرده شده است. اگر می‌خواهید تفاوت این بینش را با سایر بینشها بدانید، می‌توانید داستانی که در تورات درباره منشأ پیدایش زبانهای گوناگون آمده مراجعه کنید. در آن داستان تعدد زبانها بعنوان یک مجازات خداوندی برای مردم زمین قلمداد شده که مربوط است به قضیه برج بابل که وقتی عده‌ای می‌خواستند برجی بسازند و به خیال خود از فراز آن برج در قلمرو قدرت خدا تصرف کنند و به خدا برسند، خدا آنها را مجازات کرد و بر زبان هر کدام آنها زبانی نهاد که دیگری نمی‌فهمید و تعدد زبانها از اینجا پدید آمد. البته ما معتقدیم که این داستان نمی‌تواند منشأ آسمانی داشته باشد، چون نمی‌توان تصور کرد بین معارف الهی انبیا تضادی وجود داشته باشد. این داستان در تورات قطعاً از جمله افزوده‌های به تورات است. اما قطع نظر از منشأ پیدایش این افسانه، این نکته قابل توجه است که در آن کتاب تعدد زبانها به عنوان عذاب الهی معرفی

یکی از مسائلی که مخصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی در آموزش و پرورش ما باید مورد توجه و بحث و بررسی قرار گیرد مسئله آموزش زبان خارجی است.

درباره خود زبان و تعدد زبانها مکتبهای گوناگون نظریه‌های مختلف دارند. در اسلام اصل مسئله زبان یک امر الهی و از نشانه‌های قدرت الهی است، سوره «الرحمن» قرآن با این آیات آغاز می‌شود «الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه الیقان» خداوند در آغاز این سوره بعد از بیان خلقت انسان و تعلیم قرآن بلافاصله تذکر می‌دهد که «ما نه تنها او را خلق کردیم بلکه به او سخن گفتن آموختیم» و این حکایت از آن می‌کند که این مسئله تعلیم بیان به انسان امر قابل تأملی است.

در سوره روم در آیه بیست و دوم می‌خوانیم:

«و من آياته خلق السموات والارض و اختلاف السننكم و الوانكم ان فی ذلك لايات للعالمین».

«و از جمله نشانه‌های خداوند آفرینش

بر تأییداتی که از قرآن و سنت داریم می‌بینیم مسئله آموزش زبانهای خارجی برای هر جامعه زنده‌ای از ضروریات است و ما هیچ قوم با فرهنگی را در طول تاریخ پیدا نمی‌کنیم مگر اینکه هم به زبان خودش اهتمام داشته، و هم به زبانهای دیگران، نمونه‌ای از تمدن اسلامی ذکر می‌کنیم. در قرنهای دوم و سوم و چهارم و پنجم، نهضت عظیمی در عالم اسلام به ناه نهضت ترجمه پدید آمد. از لوازم این نهضت دانستن زبانهای خارجی بود. زبانهایی که در آن روزگار حرفی در آنها برای گفتن و شنیدن بود. شما می‌دانید که در تمدن اسلامی مترجمان درجه اولی مانند حنین ابن اسحاق و فرزند او اسحاق بن حنین و خواهر زاده او حینش و قسطابن لوغا و دیگران وجود داشتند که به زبانهای یونانی و سریانی که زبانهای علمی آن روزگار بودند و میراث فرهنگ یونان و اسکندریه را در خود داشتند مسلط بودند و رساله‌هایی دارند در باب آداب ترجمه که شیوه خود را و حسن و عیب روشهای خود را در انواع ترجمه توضیح داده‌اند. پس ما در آموختن زبانهای خارجی در اسلام سابقه داریم.

اما در روزگار ما توجه به زبانهای خارجی بیش از گذشته لازم شده زیرا اختراعات جدید لزوم ارتباطات ملتها را با یکدیگر زیادتر کرده، و در نتیجه مردم باید ابزار ارتباط بیشتری در اختیار داشته باشند. متأسفانه در جمهوری اسلامی گهگاه می‌بینیم که در ذهن بعضی از افراد که حسن نیت هم دارند نسبت به ضرورت زبان آموزی تردیدهایی ابراز می‌شود. البته این اکثریت ندارد و یا اینکه می‌بینیم عملاً نسبت به آموزش زبان خارجی اهتمام کافی نمی‌شود. البته این مطلب زمینه خاصی دارد و آن این

است که ملت ما از ناحیه صاحبان این زبانهای خارجی غربی مخصوصاً در طول دوست سال اخیر صدمه دیده و همواره متکلمان به این زبانها در مقام ارباب و مداخله‌گر و توطئه‌گر با مردم ایران عمل کرده‌اند. مطابق یک قاعده طبیعی روانی، انسان وقتی از کسی بدش بیاید از زبانی هم که او بدان صحبت می‌کند بدش می‌آید و وقتی ما با تمام وجود به عنوان یک ملت فریاد می‌زنیم «مرگ بر امریکا» و حق هم داریم که چنین فریادی بزنیم چرا که این فریاد تاریخ ماست در برابر مداخله خارجی است که، فریاد دوست ساله ملت ماست در برابر توطئه بیگانه و فریاد همه مستضعفان زمین است که اختیار خودشان را ندارند در مقابل آمریکای وحشی، توطئه‌گر. وقتی ما این فریاد مرگ بر آمریکا را بعنوان یک عبادت سر می‌دهیم طبیعی است که زبان انگلیسی که زبان آمریکائیهاست یک قدری مشمول این نفرت واقع می‌شود. اما ما باید حساب مسئله روانی را از مسئله منطقی جدا کنیم و باید توجه کنیم و بفهمانیم به همه که برای تحقق کامل مرگ بر آمریکا یکی از لوازم دانستن زبان خارجی است. این را باید ما تفهیم بکنیم.

نکته دیگر این است که در ایران زبان خارجی از روزی که وارد شده توسط افرادی وارد شده «که صف خودشان را از صف عامه مردم جدا می‌کرده‌اند یعنی این امت حزب‌الله که صاحب این انقلابند تصورشان از آنهاست که خارجی صحبت می‌کنند و خارجی می‌دانند تا قبل از پیروزی انقلاب این بوده که اینها آدمهایی هستند غرب زده فرنگ رفته بی‌اعتقاد به سنتها و ارزشها و اعتقادات مردم و زبان خارجی برای آنها یک وسیله تفاخر بوده و یک وسیله‌ای برای وارد کردن ارزشهای

غربی به ایران، یعنی تصور توده مردم متدین ما از زبان خارجی چنین چیزی است) مردم زبان خارجی را مطابق آنچه قبل از انقلاب دیده‌اند همراه می‌بینند با مصرف کالاهای خارجی، با معتاد شدن به ارزشهای خارجی، با لباس خارجی با زندگی فرنگی، یعنی زبان خارجی در ایران تاکنون یک صیغه علمی و فرهنگی در کل جامعه ما نداشته بلکه تا امروز غالباً یکی از ابزارهای غریزدگی بوده است و چنین بوده که زبان یاد بگیریم تا یک جایی استخدام شویم، بتوانیم پیش دست یک خارجی کار بکنیم، زبان یاد بگیریم تا بتوانیم از ایران فرار کنیم، زبان یاد بگیریم تا بتوانیم از دانشگاهی مدرکی بگیریم به مردم فخر و افاده بفروشیم و بعد هم دوباره برویم به همان کشورهای خارجی آنجا زندگی بکنیم و زبان یاد بگیریم که بتوانیم پشت ماشینها وقتی می‌نویسند «لاو» ما بخوانیم روی سینه مثلاً بلوزهای هیپها وقتی که یک چیزی به فرنگی بنویسند ما بتوانیم بخوانیم یک چنین حالتی داشته زبان، یعنی زبان بعنوان ابزاری لازم برای زندگی یک مردم تلقی نمی‌شده بلکه زبان هم جزئی از این مفسده‌های قبل از انقلاب بوده است. وقتی بدنی قلبش خراب بشود چشمش هم ضعیف می‌شود ناخنش هم سیاه می‌شود، پوست بدن هم خراب می‌شود، چون قلب که به منزله مرکز حکومت است خراب بود در نتیجه خیلی چیزهای دیگر هم که فی نفسه فاسد نبود در خدمت آن بدن فاسد و آن قلب فاسد، فاسد می‌شد، برادران توجه داشته باشند که اینها زمینه‌های منفی مربوط به امر آموزش زبان است. اصلاً ما باید ضرورت آموزش زبان را به دانش‌آموزان و به اولیاء آنها تفهیم کنیم و توضیح دهیم ما که می‌خواهیم مستقل بمانیم لازم است برای ارتباط با

دیگران ابزارهایی داشته باشیم و امروز بعد از ۷ سال که از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته این مطلب جا افتاده که استقلال و «نه شرقی نه غربی و اسلامی» به معنای قطع ارتباط با دیگران نیست بلکه به معنای این است که ما باید خودمان باشیم. اتفاقاً یکی از نتایج خود بودن ارتباط صحیح با دیگران است در مقام مثل، ملت با فرهنگ مثل یک انسانی است که شخصیت مشخص ثابتی دارد ولی با دیگران هم دوستی می‌کند و از دیگران چیز می‌آموزد و به دیگران هم چیز می‌آموزد اما فانی در دیگران نمی‌شود، محو نمی‌شود، اینطور نیست که از خودش هیچ چیز نداشته باشد به هر کس که رسید عقیده او را بپذیرد، تعقل می‌کند اما ارتباط هم برقرار می‌کند.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«فیشربوا من الماء الذي يصبغون
احسنه»

«بشارت ده به آن دسته از بندگانش که سخنها را می‌شنوند و نیکوترین سخن را می‌پذیرند» حالا این سخن یک وقت به زبان مادری اوست، یک وقت به زبان غیرمادری‌اش. اما جامعه با شخصیت، مثل انسان با شخصیت است، گفت و شنود می‌کند با دیگران - علاوه بر این ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که در آن عملاً نمی‌توانیم با دیگران قطع ارتباط بکنیم. ما ناچار از دادوستد اقتصادی با دنیا هستیم، ما ناچار از فعالیت در صحنه‌های سیاسی جهان هستیم نمی‌توانیم فرض کنیم که کشور ایران یک زنبیلی است آویخته از آسمان که در اطراف او دیگر چیزی وجود ندارد یا یک جزیره‌ای است در جایی از جهان که به هیچ وجه ارتباطی با جای دیگر ندارد. ما امروز در هر امری که قدم می‌گذاریم می‌بینیم از یک

لحاظ ضوابط جهانی دارد، شما همین پست را نگاه بکنید، دریانوردی را، مسئله محیط زیست را، حمل و نقل را نگاه کنید. به هر امری از این امری که مبتلا به یک ملت هست نگاه کنید می‌بینید مسائل بیز، المللی دارد. اینها که امور اجتماعی است در امور سیاسی هم که می‌بینید سازمان ملل هست و سازمانهای بین‌المللی (دیگر) و ما نمی‌توانیم بگوئیم که ما در این سازمانها شرکت نمی‌کنیم و کاری هم نداریم ما اگر شرکت نکنیم دشمنان ما شرکت می‌کنند و نسبتهای ناروا به ما می‌زنند و ما برای دفاع از خودمان هم شده، اگر چه به بنیاد این سازمانها اعتقاد هم نداشته باشیم باید در صحنه‌های بین‌المللی حضور داشته باشیم.

مطلب دیگری که باید به آن توجه کنیم مسئله صدور انقلاب است. ما نمی‌توانیم اسلام را به معنی کامل حاکمیت ببخشیم مگر اینکه جمهوری اسلامی ایران را از این صورت تنها کشور اسلامی خارج کنیم. ما قصد نداریم مثل ابرقدرتها در کشورهای دیگر کودتا بکنیم چون قدرت طلبی نمی‌خواهیم بکنیم، اما حتماً قصد داریم ارزشهای خود را به دنیا اعلام کنیم، پیام خود را به دنیا برسانیم و دیدگاههای خود را بیان بکنیم. در دنیا نزدیک به یک میلیارد مسلمان منتظر اینند که ببینند ما چه حرفی برای زدن داریم و چه انگیزه‌هایی باعث شده که انقلاب کرده‌ایم و چه انگیزه‌هایی باعث شده که این انقلاب را حفظ کرده‌ایم و در جنگ تحمیلی از انقلاب دفاع می‌کنیم. یک میلیارد مسلمان در دنیا در آرزوی این است که حکومت اسلامی برای خود تشکیل بدهد و همه می‌خواهند بدانند این نخستین نمونه چه دستاوردی داشته و چه تجربه‌ای دارد که به آنها

عرضه بکند. همه انقلابیون مسلمان دنیا چشم دوخته‌اند که تجربه‌های ما را فرا بگیرند، قانون اساسی ما را بفهمند، روشهای ما را بعد از انقلاب بدانند بقیه محرومین دنیا هم که از ظلم مستکبرین بستوه آمده‌اند می‌خواهند بدانند ایران چه کرده و خیلی از مردم دنیا و حتی از مردم کشورهای غربی هم به دلایل گوناگون مشتاق‌اند که بفهمند اسلام چه می‌گوید. تصور غربیها از اسلام، تصور چیزی است که یک زمانی بوده و حالا دیگر نیست. همانطور که «مونت گومری وات» یک کتابی دارد که عنوان آن کتاب این است *The Glory that was Islam* شکوهی که نامش اسلام بود. غربیها از اسلام با فعل ماضی یاد می‌کنند و می‌گویند یک چیزی بوده، یک آتشی بوده و خاموش شده و حالا خاکسترش مانده است.

آن خاکستر چیست؟

چیزی از قبیل میناتورهای موزه‌ها و کتابهای خطی است، معماری و هنر مساجد است، اینها را آنها تا قبل از پیروزی انقلاب اسلام می‌دانستند. تمدن اسلامی از نظر آنها بعنوان نه یک جریان زنده بلکه امر تمام شده‌ای بود که خاکستری از آن تحت عنوان آثار تاریخی و هنر و زیبایی و ظرافت و امثال این امور مانده بود. حالا می‌بینند این خاکستر خاموش نشده بلکه دوباره شعله‌ور شده است. اکنون همه حواسها متوجه شده که چیست در درون این آتش و در زیر این خاکستر که دوباره این شعله روشن شده است. حتی بعضی از استادان دانشگاههای غرب جدا از مطامع استعماری و سیاسی دولتهایشان دوباره به فکر بازساخت اسلام برآمده‌اند و این بازشناسی را دیگر از عربستان سعودی و از کشورهای نظیر آن آغاز نمی‌کنند بلکه می‌آیند از جایی آغاز می‌کنند که

مردمش با تقدیم چند صد هزار شهید اسلام را بدست آورده‌اند آنها می‌خواهند ببینند اینها چه از اسلام فهمیده‌اند که حکومت اسلامی را ایجاد کرده‌اند. پس دنیا می‌خواهد بفهمد که ما چه می‌گوئیم و امام هم بارها فرموده‌اند که ما غرضمان از صدور انقلاب گسترش ارزشهای انقلاب است و الا ما نمی‌خواهیم لشکر کشی بکنیم. مردم دنیا خودشان می‌فهمند ما چه می‌گوئیم هر طور هم وظیفه‌شان بود عمل می‌کنند. اما ما نمی‌خواهیم در امور کشورهای دیگر مداخله بکنیم.

پس ما برای صدور انقلاب ناچار باید بتوانیم با زبان مردم صحبت بکنیم. از یک میلیارد مسلمان دنیا فقط صد میلیون و یا یک قدری بیشتر زبان عربی می‌دانند. بقیه به زبانهای دیگری صحبت می‌کنند و اما به دلایل مختلف یا زبان انگلیسی یا فرانسه زبان دومشان است و ما اگر بخواهیم با مسلمانهای دنیا ارتباط برقرار کنیم، زبان عربی تنها کافی نیست. زبان عربی زبان ارتباط ما با اسلام است و با بعضی از مسلمانها، اما برای ارتباط با بقیه مسلمانها ما لااقل به انگلیسی اولاً و فرانسه ثانیاً، احتیاج داریم. شما بیش از کل جمعیت ایران فقط در هند و پاکستان شبعه دارید و بیش از کل اعراب در هند و پاکستان مسلمان دارید و اینها اگر زبان دومی بدانند آن زبان انگلیسی است و ما نمی‌توانیم این صحنه عظیم یاوران بالقوه خودمان را که در جذب شرقی ما قرار گرفته‌اند از نظر جغرافیایی، فراموش کنیم. همینطور ما در افریقا در تمام مستعمرات سابق فرانسه برای برقراری ارتباط محتاج زبان فرانسه هستیم.

اما نیاز ما به زبان خارجی فقط نیاز سیاسی

و فرهنگی نیست، بلکه ما برای اداره کشور و برای چرخاندن چرخهای کشور هم محتاجیم به اینکه زبان خارجی بدانیم. این واقعیت اگر چه تلخ است ولی واقعیت مسلمی است که ما از نظر علمی و از نظر صنعتی از کشورهای غربی عقبیم و این عقب ماندگی را به علت آنهمه ظلم و ستمی که بر ما رفته پیدا کردیم چیزی هم نیست که ظرف پنج سال و ده سال جبران بشود، حرکت را آغاز کرده‌ایم ولی تا مقصد راه درازی در پیش داریم. ما گرچه مایل نیستیم دانشجویانمان مثل سابق فوج فوج به خارج از کشور بروند ولی نمی‌توانیم اعزام دانشجویان به خارج کشور را بکلی ممنوع بکنیم. گرچه دلمان نمی‌خواهد مصنوعات غربی سیل آسا وارد کشورمان بشود آنطوریکه قبلاً می‌شد ولی نمی‌توانیم از خرید ماشین آلات غربی صرف نظر کنیم و حتی ما هنوز در مواد غذایی تا خودکفایی فاصله داریم و چه رسد به ماشین آلات صنعتی. ما باید با حفظ اعتقادات و ارزشهای خودمان و با پافشاردن بر سر اعتقادات خودمان ارتباط فعالی با غرب داشته باشیم و با همه دنیا، حالا غرب که می‌گویم منظورم ژاپن هم هست و نه تنها با غرب البته با شرق هم، و البته سیاستهایمان را که در این ارتباطات اقتصادی باید بر اساس ارزشهایمان بنا کنیم. دیگر ما نمی‌توانیم فقط مشتری امریکا و انگلیس و فرانسه باشیم، ولی شما با هر کشور دیگری هم بخواهید ارتباط برقرار بکنید باید زبان بدانید.

البته نیاز ما به زبان خارجی فقط به لحاظ حفظ خودمان آن هم فقط به معنی سیاسی و اقتصادی نیست. ما حتی در زبانهای دیگر معارفی برای یاد گرفتن پیدا می‌کنیم. این طور

نیست که وقتی ما می‌گوئیم غرب منفور است و امریکا بد است و ما باید اسلامی باشیم به معنای این است که ما در این فرهنگ مدون به زبان انگلیسی یا فرانسه هیچ چیزی برای آموختن نمی‌توانیم پیدا کنیم، نه آن تعصب است و ما نباید تعصب داشته باشیم، برای ما اسلام و قرآن اصل است و اگر در احوال دیگران نیز حرفهای درستی بیافتیم از آنها هم استفاده می‌کنیم. درست است که تمدن غرب بر اساس الحاد بنا شده و محکوم به فناست کما اینکه آثار این فنا هم اکنون ظاهر شده ولی اینطور نیست که ما از متون پیدا شده به زبان انگلیسی در طول چندین قرن هیچ چیز نتوانیم بیاموزیم. از این جهات هم ما می‌توانیم بدون تعصب و با معیار ارزشهای الهی و اسلامی، نکاتی بیاموزیم. البته غرب خیلی چیزها دارد که به درد خودش هم نمی‌خورد تا چه برسد به ما ولی چیزهایی هم هست به زبانهای دیگر که برای ما مفید باشد و به غنای فرهنگی ما کمک بکند.

مجموع این دلایل ایجاب می‌کند که ما نسبت به زبان خارجی جدی باشیم و این امر را باید از آموزش و پرورش شروع بکنیم. متأسفانه در طول این چهل، پنجاه سالی که زبان خارجی در ایران بصورت وسیع آموخته شد، هیچ وقت به نتیجه مطلوب نرسید یعنی اگر شما فکر کنید که دانش آموزان چقدر وقت صرف آموختن زبان کردند و معلمان نیز، و چه هزینه‌ای صرف شد و چند درصد مردم ما توانستند از این عمر و پولی که صرف شده بهره ببرند می‌بینید که عملاً چیزی نزدیک به صفر بوده است. همه ما بیاد داریم که وقتی می‌خواستیم امتحان دیپلم بدهیم یا وقتی

می‌خواستیم امتحان دیپلم از دانش‌آموزان بگیریم، عده زیادی بودند که برای زبان بیست و پنج صدم منظور می‌کردند یعنی اصلاً بعد از شش سال زبان خواندن با زبان چنین معامله‌ای می‌کردند. چنین روشی دیگر نباید ادامه پیدا کند یا زبان چیز لازمی است یا نیست، اگر نیست بکلی باید از برنامه حذف بشود، اگر هست باید به نتیجه برسد. البته این خود یک بحث طولانی است که به نتیجه رسیدن زبان خارجی به چه لوازمی احتیاج دارد. همه مسائل هم با آموزش و پرورش و مدرسه حل نمی‌شود. من فقط اشاره می‌کنم که آموزش زبان یک خط مقدم دارد و یک پشت جبهه. زبان اگر میزان تمرینش فقط منحصر به کلاس باشد به نتیجه نمی‌رسد. ما این مساله را امروز در مورد زبان عربی هم داریم. اگر ما بخواهیم دانش‌آموزانمان زبان عربی یاد بگیرند (که به همین منظور بعد از پیروزی انقلاب دو ساعت عربی در تمام کلاسها مقرر کرده‌ایم). و بیرون از کلاس در کل جامعه انگیزه و وسیله و بهانه و فرصت برای تمرین زبان نداشته باشیم همین زبان عربی، این زبانی که سر کلاس می‌خوانند فراموش خواهد شد. برای انگلیسی هم همینطور است که ما باید علاوه بر فعالیتهایی که در مدرسه می‌کنیم در بیرون از مدرسه هم انگیزه‌ها و وسایل ایجاد کنیم تا دانش‌آموزان به سوی زبان کشیده شوند و این سرنخی را که در مدرسه دستشان می‌آید بگیرند و جلو بروند. به هر حال ما باید در آموزش و پرورش که فعلاً در اختیار ماست مسئله زبان را جدی بگیریم. همینجا من اشاره می‌کنم که سیاست جمهوری اسلامی ایران در مورد زبان خارجی خروج از تک زبانی است. علت هم این است که زبان خارجی به یک ابزار می‌ماند و هر چه

ابزارهای شما متنوعتر باشد، توانتان بیشتر است. این تک زبانی خود یکی از توطئه‌های استعمار است. وقتی ملتی فقط یک زبان را بداند دیگر قدرت برقراری ارتباط با کشورهای را که به غیر آن زبان سخن می‌گویند از دست می‌دهد. ما دست کم باید از زبانهای غیر از انگلیسی، آلمانی و فرانسه را هم در ایران احیا کنیم. البته قصد ما این نیست که آلمانی و فرانسه را به جای انگلیسی بنشانیم من همیشه در مقام تشبیه می‌گویم اگر زبان انگلیسی مثل متن خیابان باشد، آلمانی و فرانسه باید پیاده روهای حاشیه این خیابان اصلی باشند تا اگر یک روزی راه خیابان بسته بود ما بتوانیم از کنار آن عبوری داشته باشیم. بنده اشاره می‌کنم که در زمینه‌های حقوق و سیاست بین‌الملل و همچنین ارتباط با ملتهای آفریقا ما قویاً به زبان فرانسه محتاجیم، حالا بگذریم از مطالبی از مطالبی از قبیل آنچه مثلاً فلاسفه فرانسوی زبان یا دیگران به این زبان گفته‌اند. از نظر زبان آلمانی هم چنانکه می‌دانید بیشتر دستگاههای فنی و صنعتی ما هم در گذشته و هم در حال حاضر آلمانی است و ما لااقل از لحاظ فنی به زبان آلمانی احتیاج داریم. در آموزش و پرورش بعد از پیروزی انقلاب ما تاکنون موفق شده‌ایم سه کتاب جدید التالیف برای زبان فرانسه و سه کتاب جدید التالیف برای زبان آلمانی داشته باشیم و سعی کرده‌ایم این دو زبان را که دیگر بکلی روبه مرگ می‌رفت در حد لزوم احیاء کنیم. اما فراموش نمی‌کنیم که فعلاً مسئله اصلی انگلیسی است. برای این زبان ما چند سالی کارمان در واقع وصله و پینه بود، ترمیمهای موضعی بود، دو سه سال است که با همکاری استادان دانشگاه موفق به برنامه‌ریزی جدید

شده‌ایم و در این کار سعی کرده‌ایم دچار عجله هم نباشیم. کتاب سال اول راهنمایی را در حدود دو سال پیش تألیف کرده‌اند و آنچنانکه مقتضای امر تألیف کتاب درسی است یک سال آن را مورد آزمایش قرار دادند. ما کتاب را به چهار صد منطقه ایران فرستادیم، علاوه بر آن در تهران هم در چند مدرسه دانش‌آموزان این کتاب را می‌خواندند. از گروههای آموزشی سراسر کشور نیز تقاضا کردیم نظر بدهند، این نظرها رسید و استادان بررسی کردند و امیدواریم کتاب منقحی که در مهرماه بدستمان می‌رسد کم عیب باشد. خوشبختانه همان گروه مؤلف موفق شده‌اند برای این کتاب روش تدریس بنویسند و این اولین باری است که کتاب جدید همراه با روش تدریس بدست معلمین می‌رسد.

البته آموزش زبان فقط با کتاب حل نمی‌شود و وسایل سمعی، بصری می‌خواهد. ما در شرایط فعلی از نظر بودجه وضعی نداریم که بتوانیم برای هر منطقه یک آزمایشگاه زبان دایر بکنیم. آن حداقلی که در توان ما بوده، تأمین نوار تلفظ بوده است. برای همین کتاب ما سعی کرده‌ایم نوار با تلفظ انگلیسی تهیه بشود این را انشاءالله تکثیر خواهند کرد و برای شما خواهند فرستاد تا دانش‌آموزان را سر کلاس با تلفظ درست هم آشنا بکنید. بنده به دو کوشش دیگر نیز اشاره می‌کنم. یکی از آنها مجله رشد آموزش زبان است که خوشبختانه به همت برادران مسادر دفتر تحقیقات و در گروه زبان، هیئت تحریریه دلسوز و علاقه‌مندی گرد آمده‌اند و این مجله را بوجود آورده‌اند. نسبتاً هم از آن استقبال خوبی شده است. خود این مجله عملاً به دبیران زبان ثابت کرده که حمایت ما از آموزش زبان خارجی

یک شعار نیست که محدود به سخنرانی افتتاحیه یک سمینار بازآموزی باشد، بلکه ما بصورت مداوم برای این مقصود کار می‌کنیم. این مجله همانطور که ملاحظه کردید وارد متن مسائل تعلیمی زبان می‌شود. نکته دوم این است که همکاران ما کوشش کرده‌اند نیاز معلمان زبان را در حد امکان برطرف کنند. بعنوان نمونه چند صد جلد فرهنگ لغت مناسب از خارج تهیه کرده‌اند و در همین مجله رشد آموزش زبان اعلام کرده‌اند و با قیمتی خیلی کمتر از آنچه ممکن است در جاهای دیگر عرضه بشود اعلام کرده‌اند و برای معلمان پست می‌کنند. شما معلمی را در نظر بگیرید که مثلاً در اطراف میناب درس می‌دهد و در شعاع صد کیلومتری اش حتی یک کتابفروشی هم نیست، این معلم می‌تواند با یک پول مختصر صاحب یک فرهنگ لغت بشود و آن را از طریق پست دریافت کند. این البته یک قدم مختصر است، اما نشان دهنده راهی است که ما به آن معتقدیم و درصددیم آن را بیشتر توسعه بدهیم.

بنده از همه برادرانی که در این دوره شرکت دارند تقاضا دارم که خود این دوره را بسیار جدی بگیرید و سعی کنید با کوشش به نتیجه مطلوب این دوره برسید و مهمتر از حضورتان در این دوره بهره برداریتان بعد از این دوره است تقاضای ما از شما این است که خودتان مدیر دوره‌های مشابه باشید و در مناطق خودتان و در استانهای خودتان اهتمام کنید. اگر جایی هم دیدید مشکلات و کمبودهایی هست، یا سوءتفاهمهایی هست این مطالب باعث دلسردی شما نشود، کار همیشه با مشکلات روبرو هست ولی همت کنید که معلمان را با شیوه‌های صحیح زبان آموزشی آشنا کنید. هم

علمشان را در زبان بالا ببرید و هم شیوه تعلیمشان را خلاصه طوری بشود که این ننگ بی‌ثمر بودن آموزش زبان انگلیسی در ایران که گریبانگیر آموزش و پرورش ماست با همت شما از میان برداشته بشود.

من یک نکته هم اشاره کنم و آن این است که ما در کتابهای زبان خارجیمان البته قصد داریم از هر متنی و از هر جلوه‌ای که منجر به نفوذ ارزشهای منفی اخلاقی استعماری بیگانه به کشور ما باشد جلوگیری کنیم. ما دیگر نمی‌خواهیم کتابهای زبان خارجی ما یک ویرین بر جاذبه باشد برای غرب که وسیله خود باختگی شود. ما نمی‌خواهیم کتابهای زبان ما یک حالتی داشته باشد که انگار زبان قوم غالب را، زبان قوم مسلط بر خودمان را داریم می‌خوانیم، بلکه در عین حال قصد داریم مفاهیم معنوی و اسلامی خود را نیز در کتابهای زبان عرضه کنیم. فقط یک نکته را باید به این اضافه کنم و آن این است که بعضی وقتها، بعضی از برادران با حسن نیت و متدینی که قصد همکاری با ما دارند، تصور می‌کنند که کتاب زبان خارجی باید ترجمه کتاب تعلیمات دینی باشد مثلاً بنده می‌بینم که گاهی متنهایی برای ما می‌فرستند که یکسره ترجمه احادیث و آیات قرآن و داستانهای اسلامی است. این هم درست نیست، در هر کاری اگر به افراط و تفریط بیفتیم از مقصد باز می‌مانیم. نکته‌ای که باید گفته بشود این است که ما اگر بخواهیم با مردم می‌گفت و شنود داشته باشیم باید قدری هم از فرهنگ آنها اطلاع داشته باشیم. اگر شما بخواهید با یک فرانسوی زبان صحبت بکنید نمی‌شود که او ساکت بنشیند و فقط شما حرف بزنید بالاخره او هم باید یک حرفی بزند و شما باید بفهمید و این مستلزم این است که بتوانید

با او یک داد و ستد فکری بکنید. یعنی نمی‌شود که شما مثلاً زبان انگلیسی یا فرانسه تعلیم بدهید اما هیچ چیز غیر از مسائل داخلی و بومی خودتان به این زبان به بچه‌ها نیاموزید. این عیبش این است که فردا وقتی که دانش‌آموز بخواهد با یک فرانسوی صحبت بکند محتوایی که برای آن فرانسوی زبان قابل فهم و مورد علاقه باشد ابتدائاً ندارد یعنی نمی‌تواند سر پل ارتباطی لازم را برقرار بکند. ما البته زبان را برای خودمان می‌آموزیم نه برای آنها ولی برای آنکه امکان گفت و شنود ایجاد شود لازم است بعضی از نکات مثبت زندگی آنها را هم بدانیم و این هیچ منافاتی با این ندارد که ما صد در صد هم می‌خواهیم اسلامی بشویم و هیچ چیزی را هم که ضد اسلام باشد نمی‌پذیریم. و ما البته در مورد فرهنگ خودمان با فشاری می‌کنیم ولی در مقتضیات هر امری تعمق نیز می‌کنیم.

برای همه شما برادران از خداوند طلب توفیق می‌کنم و امیدوارم شما این همت خود را برای تقویت آموزش زبان خارجی در جمهوری اسلامی ایران یک عبادت تلقی بکنید و این اقدام شما برای اصلاح کیفیت آموزش زبان خارجی یک قدمی باشد در راستای انقلاب اسلامی ایران و نهایتاً همه کوششهای ما به استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی و به خدمت به این مردم ستم‌دیده و مستضعف منتهی بشود و انشاءالله که همه بتوانیم وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهیم. السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱. این مقاله متن سخنرانی برادر دکتر حداد عادل، معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است که در کلاس توجیهی دبیران زبان سراسر کشور در باشگاه معلمان، ۱۷ شهریور ۶۴ ایراد شده است.

شوق یادگیری (۳)

In the first two parts of the present article a brief look was taken at the nature of motivation in learning, in general, and in foreign language acquisition, in particular, and some of the factors contributing toward motivation were treated in some detail. In this final part, other factors are considered. It will be shown how methods of teaching, classroom techniques, and the student's feeling of success in learning can help enhance his motivation.

مجدالدین کیوانی دانشگاه تربیت معلم

۳- در کلاس مبتدیان، و بخصوص در مورد کم سالها، مگذارید شاگردان بیش از حد خسته شوند. خستگی بدنی بزمردگی ذهنی می آورد. البته بسیاری از عوامل خستگی جسمانی شاگرد مربوط به بیرون از کلاس و معمولاً خارج از کنترل شما است. معذک، اگر بتوانید از طریق همکاری و مشورت با مدیریت مدرسه و خانواده ها کاری کنید که شاگرد خسته و کوفته به کلاس نیاید، به شادابی جو کلاس و نهایتاً به یادگیری بهتر و بیشتر، خواهد انجامید.

۴- به تمام اعضاء کلاس حتی المقدور بطور برابر عنایت داشته باشید. توجه به عده ای و بی اعتنائی به عده دیگر بیزاری و رنجش بیار می آورد. همیشه از خوبها سوال نکنید ولی برای پاسخگویی به سوالات دشوار هم عمداً ضعیف ترین ها را مخاطب قرار ندهید که این محیط کلاس را برای آنان کم کم غیر قابل تحمل می کند. همه را به نوعی در کارهای کلاس شرکت دهید تا موجب نشود که مخصوصاً زود رنجه خود را بریده از کلاس احساس کنند.

۵- چنانچه برای سوالاتی که می کنید نمره ای می دهید حساب شده و سنجیده این کار را نکنید. نه نمره نمایشی ناپخته بدهید و نه نمره تنبیهی نامعقول. گرچه این کار دشوار است لیکن بکشید که شاگرد احساس کند نمره ای که به او داده اید حدود

مهارت خاص چند راه و چند شگرد وجود داشته باشد تنها به یکی از آنها قناعت نکنید. در فرصتهای مختلف از تمام آنها استفاده کنید که این بر تنوع و جذابیت کلاسارنان می افزاید.

۲- از یک نواخت شدن کار جداً بپرهیزید. یک نواختی موجب ملالت و ملالت باعث بی توجهی می شود؛ بدیهی است که تا توجه نباشد یادگیری صورت نمی گیرد. کار ابداعی و غیر مترقبه کردن و توسل به شیوه های تدریسی که شاگرد انتظارش را ندارد محیط کلاس را رغبت انگیز تر می کند و توجه شاگردان را تداوم می بخشد. کاری کنید که شاگرد همیشه به امید دیدن و شنیدن چیز تازه ای به کلاس شما بیاید. اندیشه یکنواختی کار و تکرار همان شگردهای معمول، به ترتیب و توالی روزها و هفته های پیش، موجب سست شدن گامهای محصل به سوی کلاس درس شما می شود. کلاستان را به صورت «رفع تکلیف» برگزار نکنید تا شاگرد برای آمدن به چنین کلاسی «عزا نگیرد» و آرزو نکند که یکاش کلاس شما با روز تعطیل مصادف می بود! ریزه کاریها و شگردهای ساده ظریفی در کار کلاس داری هست که اگر معلم واقعاً به حرفه اش علاقه مند باشد و بدان بها بدهد، رفته رفته بر آنها وقوف پیدا می کند و آنگاه خود، در مواقع لازم، از آن شگردها استفاده می کند.

در بخش دوم از گفتار حاضر پاره ای از عوامل ایجاد و تقویت انگیزه را بررسی کردیم. در این آخرین بخش به تحلیل چند عامل دیگر می پردازیم.

د- شیوه های کلاس داری و روشهای تدریس مناسب - اینکه شما چگونه کلاس درس خود را اداره می کنید و در تدریس چه روشهایی را بکار می گیرید در کاهش یا افزایش شوق شاگردان به یادگیری تاثیر مستقیم دارد. در این مورد، توجه به نکات زیر می تواند به رغبت انگیز شدن جو کلاس کمک کند.

۱- در استفاده از این یا آن روش تدریس بیش از حد جزمی و یک دنده نباشید. شما در کلاس درس با مشتی انسان که از جهات مختلف باهم تفاوت دارند و دائماً در حال تحولند سروکار دارید نه با مقداری مواد یکسان، یک دست و لایتغیر. پس، برای تمام محصلین خود در تمام شرایط نمی توانید نسخه واحد بنویسد. ضمن اینکه باید فعالیتهای آموزشی خود را در چهارچوب کلی مشخصی متمرکز کنید نباید انتظار داشته باشید که یک روش یا شگرد واحد در مورد همه دانش آموزان شما و در همه اوقات نتیجه مطلوب را بیارود. لذا لازم است که گهگاه نیروی ابتکار خود را بکار ببرید و بر حسب مورد مانورهای مناسبی در تدریس و در کلاس داری خود بدهید. به علاوه، چنانچه برای تدریس یک نکته یا

حق اوست. اگر بر پایه استدلالی ناصواب، یا از روی عقده‌گشائی و خدای ناخواسته انتقام‌جویی، نمره‌ای کمتر از حق دانش‌آموز به او دادید، محزون خواهد شد. چنانچه این حالت چند بار تکرار شود، احتمال بیزاری و عقده‌ای شدن او بسیار است. نسبت به شما کینه پیدا خواهد کرد. اگر درد او را زود درمان نکنید و به گونه‌ای از او رفع رنجش نکنید، کینه‌ای که از شما به دل دارد دیر یا زود به درس شما هم تسری خواهد کرد و دیگر درس شما جذبه‌ای برای او نخواهد داشت.

۶. پیش از این اشاره کردیم که محصل باید نسبت به شما احساس احترام کند تا به شما توجه کند. برای آنکه حس احترام او را برانگیزید باید دارای جذبه شخصیت باشید. مراد ما از شخصیت مجموعه ویژگیهای ظاهری و باطنی است که شما را «شما» و از دیگران متمایز می‌کند: از طرز ایستادن و سخن گفتن گرفته تا درجه معلومات. پس: (الف) سعی کنید متکبر به نظر نیایید، لودگی و مزاح زیاد هم نکنید. موقر باشید لیکن نه به حدی که شاگرد نتواند به شما نزدیک شود. کج خلقی و تحکم نکنید، زیاد از اندازه نیز خنده و شوخی نکنید که زمام کلاس از کفتان رها خواهد شد. (ب) مراقب طرز ایستادن، قدم زدن، حرکات سر و دستتان باشید که مضحک نباشد و «لژنشینان کلاس» را به بی‌ویج و اندارد. (ج) رسا، گویا و جذاب صحبت کنید. علم تنها کافی نیست، ارائه آن هم مهم است.

۷. با کلاس پیش برورید. اگر دانش‌آموزی فکر کرد که از هم‌کلاسیهای خود عقب افتاده و معلم به فریادش نرسید، دیر یا

زود غول‌نومیدی برروح او پنجه خواهد افکند. از کلاس جلوتر حرکت کنید؛ اجازه هم مدهید که «کند کارها» و «بی‌حالیهای» کلاس سرعت کار شما را تعیین کنند.

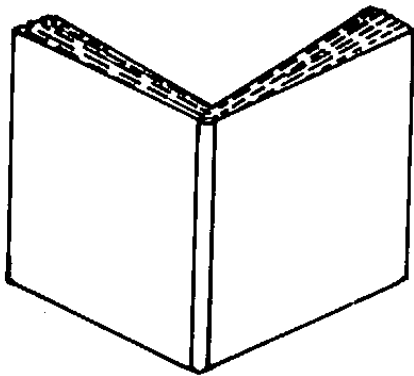
۸. موفقیت مسلماً به کاری که در آن احساس پیشرفت و موفقیت می‌کنید بیشتر دل می‌بندید. موفقیت دلگرمی می‌آورد و دلگرمی باعث حرکت بیشتری می‌شود. پس اگر کاری کنید که شاگرد از همان روزهای نخستین درس احساس پیشرفت کند به کار راغبتر خواهد شد و جاده تعلیم و تعلم هموارتر خواهد شد. آیا اگر در پایان جلسه اول درس زبان، دانش‌آموز بتواند یکی دو جمله ساده را ادا کند، یا به چند پرسش کوتاه شما به زبان خارجی پاسخ گوید، برای او موفقیت نیست؟ اگر محصل در پایان هفته دوم ببیند که، مثلاً، بیست واژه و ترکیب انگلیسی را می‌داند و قادر است آنها را در جمله‌های ساده‌ای بکار ببرد، کافی نیست که احساس موفقیت کند؟ مسلماً چرا. احساس توفیقی که بدین گونه برای شاگرد حاصل می‌شود، زمسینه را برای برداشتن گامهای سریع‌تر بعدی مهیا می‌سازد. پس چرا از این عامل موثر استفاده نکنید؟ معلم واقعی کسی است که به شاگردانش کمک کند تا به همین پیروزیهای بظاهر جزئی دست یابند. همین پیروزیهای جزئی فعلی می‌تواند به موفقیت‌های بزرگ آتی بینجامد. بسیاری از صاحب‌نظران رشته آموزش زبان را عقیده بر این است که قدرت مکالمه موثر در قالب تعدادی جملات کوتاه اعتماد به نفس شاگرد را زیاد می‌کند و به تداوم رغبت او به کار کمک می‌کند. مطمئناً توانائی مکالمه تنها راه انگیزش محصل نیست. معلم دلسوز و مجرب می‌تواند

از هر جنبه‌ای از جنبه‌های چندگانه زبان استفاده کند و کاری کند که شاگرد در همان جنبه بخصوص احساس توفیق و پیشرفت کند. مهم اینست که معلم به اصل موفقیت به عنوان عامل انگیزش عقیده و توجه داشته باشد و بداند که محصلین نیاز دارند که احساس کنند دائماً در حال پیشرفتند و هر روز بیش از روز پیش می‌دانند و قادر به انجام کارهای بیشتری هستند. چیزی که می‌تواند بطور عینی به محصل نشان دهد که تا چه حد پیشرفت کرده عامل آزمون است. بنابراین، آزمون باید جزء لاینفک و همیشگی برنامه تدریس شما باشد. ولی باید بسیار احتیاط کنید که آزمون به شکلی تنظیم و اجراء شود که نتایجش گمراه کننده نباشد و حتی الامکان حدود واقعی دانش و توانائی شاگرد را در زبان تعیین کند. نتایج آزمونی که بطور سنجیده و طبق اصول علمی آزمون‌سازی تهیه شده باشد نه تنها به شخص معلم امکان می‌دهد که نارسائیهای کار را دریابد و احیاناً به اصلاح و تعدیل روشهای تدریس خود اقدام کند بلکه شاگرد را متوجه می‌کند که به چه مرحله‌ای از کار آئی در زبان رسیده است. اگر نتایج آزمون، پیشرفت محصل را نشان دهد بی‌شک به کار بیشتر و تلاش پیگیرتر ترغیب خواهد شد، و چنانچه حکایت از ضعف او کند معلم صبور و دلسوز می‌تواند، به گونه‌ای که موجب دلسردی محصل نشود، نقاط ضعف و نارسائیهای او را دقیقاً به او بنماید و راهنمائیهای لازم را ارائه کند. احتمال زیاد دارد که در آزمائش بعدی اشتباهات آزمون قبلی یا مشابه آنرا مرتکب نشود و این مسلماً به او دلگرمی و اعتماد به نفس بیشتری خواهد بخشید.

1. Finocchiaro, Mary, "Motivation", Forum, XIV, No 3, July 1970 PP. 4-8, 21

2. Billows, F.L. The Techniques of Language Teaching, Longmans, 1964 PP. 13-16

3. Rivers, Wilga M. The Psychologist and the Foreign Language Teaching, the University of Chicago Press, 1964, PP. 57, 64, 80, 89



دیگته در

آموزش

زبان
فرانسه

دکتر سیدحامد رضیعی

برای فراگیری کاربرد و شناخت اهمیت دیگته در آموزش، سه روش زبان‌آموزی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

الف — De Vive Voix: هدف از دیگته در این روش، آموزش آوازی خط زبان فرانسه و قواعد دستوری نوشتاری آن است^۱ که عبارتند از آموزش پسوندهای همسان افعال (گونه‌های نوشتاری ماضی استمراری وجه اخباری و حال وجه شرطی، زمان حال وجه اخباری و حال التزامی در سه شخص مفرد و سوم شخص جمع) و نیز علائم نوشتاری جنس و نوع در اسماء، صفات، ضمائر و...

پس از حدود چهل ساعت آموزش زبان گفتاری (در طول درس پنجم)، از اولین دیگته استفاده می‌شود و این درست زمانی است که زبان آموز قادر است تمام صداهای جملات موردنظر در دیگته را تشخیص دهد و پدیده‌های زنجیری آن را نیز درک کند.

استفاده از متون دیگته: برای این روش دیگته‌های متعددی در نظر گرفته شده است که به ترتیب از مرحله آسان به دشوار تنظیم شده. دبیر باید متن دیگته را از ضبط صوت پخش و یا خود آن را با صدای بلند بیان کند. نیز باید توجه دانش‌آموزان را به نکات زیر جلب کرد:

۱. کلمات نمونه هر دیگته در قالب جمله‌های کوتاه معرفی می‌شوند که توجه دانش‌آموزان نسبت به صدایی که فرامی‌گیرند جلب شود.

۲. ویژگی هر یک از گونه‌های دستوری را باید از پیش تذکر داد و در صورت لزوم آن را روی تخته سیاه نوشت.

امروزه دیگته در آموزش زبانهای بیگانه از اهمیت لازم برخوردار نیست، بلکه غالباً بصورت تکلیفی نوشتاری درآمده است و دانش‌آموزان مجبورند متنی را بصورت قالبی فراگیرند و در کلاس بنویسند که این به دو صورت انجام می‌شود: دیگته بوسیله دبیر و دیگته بوسیله یکی از دانش‌آموزان. گاهی اوقات همه دانش‌آموزان شخصاً با کتاب بسته، متنی را که قبلاً آماده کرده‌اند می‌نویسند و سپس تصحیح انجام می‌شود.

ولی دیگته چیست؟ هدف از دیگته در آموزش زبان کدامست؟ دیگته عبارت است از صحیح نوشتن اصواتی که در یافت می‌شود و هدف آن آموزش زبان نوشتاری و قرائت متون است. زبان نوشتاری، همانگونه که از نامش پیداست گونه خطی زبان و زبان گفتاری، گونه صوتی آن است.

خط هر زبان وسیله معرفی آن، طبق یک سری علائم قراردادی^۱ است. این علائم قراردادی را مجموعه‌ای از «حروف الفبا، علائم نقطه‌گذاری و نشانه‌های خطی^۲» تشکیل می‌دهند. خط دربرگیرنده تمام پدیده‌های زنجیری^۳، تکیه^۴، آهنگ^۵، نواخت^۶ و ادغام^۷ نیست.

اگر از پدیده‌های گفته شده، صرف‌نظر شود، می‌توان دو نوع غلط را در دیگته تشخیص داد که عبارتند از: غلط‌های املائی^۸ و غلط‌های دستوری^۹. برای دیگته گفتن باید از دروس پایین و با جمله‌های آسان، شروع و پس از آن بعنوان یک درس استفاده کرد.

۳. باید از دانسته‌های زبانی پیشین - که در دیکته وجود دارد - بیشترین استفاده را کرد و در صورت لزوم برای یادآوری آنها را روی تخته سیاه نوشت.

از پیش به زبان آموزان گفته می‌شود که در جمله‌ها هیچ گونه بی‌نظمی وجود ندارد و هر جمله، یا گروه جمله‌ها (پرسش + پاسخ) تنها یک بار تکرار می‌شود. بنابراین زبان آموزان باید پیام را با دقت گوش کنند، آنچه را که دریافته‌اند در ذهن تکرار کنند، آنگاه بنویسند.

دبیر باید توجه داشته باشد تا جمله‌هایی که توسط زبان آموزان شنیده می‌شوند، حتماً نوشته شوند. اگر زبان آموزی قادر بنویشتن جمله دیکته شده نیست، ممکن است جمله را بوضوح نشنیده باشد که در این صورت تکرار جمله‌ها برای بار دوم و گاهی سوم مفید بنظر می‌رسد. در مراحل اول باید هر جمله پس از نوشتن تصحیح شود که بر ترتیب بوسیله خود دانش آموزان انجام می‌گیرد. دبیر باید اشتباهات رخ داده و یا اشتباهات ممکن را بر روی تخته سیاه بنویسد و علت آن را توضیح دهد که ممکن است زمانی، ناشی از شنیدن نادرست و زمانی، ناشی از ندانستن نکات دستوری و یا هر دوی آنها باشد.

در حقیقت هنگامی که گونه خطی جمله‌ای بصورت قالبی دریافت می‌شود، ممکن است زبان آموز معنای جمله را درک کند و ترتیب مقوله‌های دستوری و ساخت آن را تشخیص دهد. برای توضیح بیشتر به مثالهای زیر توجه کنید:

۱. زبان آموزی فکر می‌کند که جمله «Il va au café, elle aussi» را به جای: «Il va au café, lui aussi» شنیده است. دستور زبان به او فهمانده است که چنین چیزی غیر ممکن است، زیرا این جمله، تنها به گونه‌های زیر ممکن خواهد بود:

Il va ...	lui aussi
Elle va ...	elle aussi

و اگر زبان آموز مطمئن است که elle شنیده است، باید قسمت اول جمله Elle va باشد.

۲. معلم جمله «Il y a un café là» را دیکته می‌کند. زبان آموزی جمله را بدین گونه می‌نویسد: «Il va un café, là» که از نظر معنی درست نیست و نباید این چنین نوشته می‌شد ولی می‌توانست به گونه‌های زیر باشد:

1. Il va au café, là. 2. Il y a un café, là. 3. Il a un café, là.
اگر زبان آموز مطمئن باشد که واژه Un را شنیده است، جمله باید برابر یکی از دو گونه 2 و یا 3 باشد، لذا باید جمله را تکرار کرد.
۳. معلم جمله

Ils rentrent à midi, ils lavent leurs mains et ils déjeunent.
را دیکته می‌کند. تنها هنگامی که واژه Leurs به گوش می‌رسد،

زبان آموز در می‌یابد که ضمائر فاعلی و فعل‌های صرف شده، سوم شخص جمع هستند.

هدف اصلی دیکته در این روش عبارتست از:

- آموزش گونه نوشتاری زبان فرانسه
- و داشتن زبان آموزان به خوب شنیدن و هدایت آنان به سوی درک پیام بیان شده.
- استحکام بخشیدن به معلومات دستوری زبان آموز و ادا کردن وی به استفاده از آنها.
- سوق دادن زبان آموز بسوی خواندن متون.

دیکته نمونه درس ششم

a) Mots-clé: journal
bon [ɔ̃] : on
noir [wa] : oi
moi [wa] : oi
un [œ] : un

Etude des sons [u] : ou
[ɔ̃] : on
[wa] : oi
[wa] : oi
[œ] : un

Etude de la consonne [ʒ] : j

b) Etude des liaisons:
en «t» ... C'est un...
en «z» ... Vous avez...

c) Acquisition de mémoire:
vous voulez

1. Maria, vous buvez du café noir? - Pardon?
2. Vous voulez du café noir ou du thé?
3. Vous avez du bon café?
4. Oui, c'est un bon café.
5. Voilà un journal. - Il est à moi.
6. Pardon, il n'est pas à vous. C'est mon journal.
7. C'est un journal du soir?
8. Non, ce n'est pas un journal du soir.

ب - La FRANCE EN DIRECT^{۱۱}. اولین آشنائی با زبان نوشتاری بوسیله دیکته انجام می‌گیرد^{۱۳}. در نتیجه باید توجه زبان آموزان را نسبت به رابطه بین صدا و خط جلب کرد. برای این کار ابتدا از گونه تک صدائی (یک صدا = یک حرف) و سپس (یک صدا = دو حرف و...) استفاده می‌شود. ابتدا از کلمات شناخته شده استفاده و سپس با اضافه کردن صداهای دیگر املاء کلمات جدیدی را معرفی می‌کنند. پس از تمرینات کافی، قواعد دیگری برای خواندن می‌توان ارائه داد و حالت‌های مختلف /e/ معدوله (caduc) را معرفی کرد.

غیر از رابطه بین صدا و خط نکات زیر باید آموخته شود:
۱ - املاء نکات دستوری افعال (صرف وجوه و زمانهای مختلف) و اسماء و صفات و...

۲. املاء متداول بعضی از کلمات که دارای همخوان‌های

متوالی m یا p هستند: apporter, appartement, femme, Commencer.
یا کلماتی که در هر حال شکل واحدی دارند (Sens, fils).

پس از این مرحله نظر زبان‌آموزان نسبت به تکیه‌های مختلف جلب و علائم نقطه‌گذاری معرفی خواهد شد. دانش‌آموزان باید مکث‌ها را در گفتار تشخیص دهند و به علائم نقطه‌گذاری توجه کنند.

اولین دیکته — اولین دیکته در مرحله چهارم واحد درسی^{۱۲} شش گفته می‌شود. در اولین جلسات باید نکات زیر را مدنظر قرار داد. معلم واژه‌های نمونه مانند *à midi* را روی تخته‌سیاه می‌نویسد و آن را همراه با تکیه بر روی صدای /i/ تکرار می‌کند. تکیه باید روی هجای پایانی گروه آوایی که واحد دیکته را نشان می‌دهد باشد. معلم باید از تلفظ تک‌صدائی در خارج از محدوده گروه آوایی خودداری کند. معلم باید کلمات را بصورت گروهی معرفی کند مثلاً *Voilà Marc et C'est mal* و.. روی تخته‌سیاه بنویسد و تلفظ کند سپس از چند شاگرد بخواهد که آنها را تکرار کنند، سپس تخته را تمیز و دیکته را شروع می‌کند.

تصحیح باید فوراً انجام شود. در صورتیکه غلط‌های مشابه در دیکته وجود داشت معلم باید آنها را یادداشت و در بافت‌های دیگری ارائه و دیکته کند.

دبیر جملات دیکته را با صدای بلند و آهنگ طبیعی و عادی بدون تکیه بر روی صدای خاصی می‌خواند. جملات را فقط یکبار تکرار و بعد از پایان دیکته آن را بازخوانی می‌کند. بعد از اینکه تصحیح پایان رسید غلط‌های مشابه را روی تخته می‌نویسد و زبان‌آموزان آنها را تلفظ می‌کنند.

بعد از تصحیح دیکته، دانش‌آموزان جملات آن را به تنهایی و سپس دسته‌جمعی می‌خوانند.

ج — Le Français et la vie^{۱۵}. هدف اصلی دیکته در این روش کسب مهارت زبان نوشتاری و تثبیت املا اصوات شناخته شده در ذهن زبان‌آموز با توجه به واجهای Phonèmes معرفی شده خواهد بود. بدین جهت هر متن دیکته در مراحل اولیه همراه یک سری کلمات خواهد بود که دربرگیرنده واج مشخصی است.

دیکته درس اول

Texte

Marco Boni est un étudiant Italien. Il arrive chez monsieur Roche à Paris. Monsieur Roche dit: «Bonjour, Marco! Entrez s'il vous plaît.» La femme de monsieur Roche arrive: «Vous déjeunez avec nous et Sophie?» et Marco dit: «Oui, merci, Madame.»

Phonèmes et graphies

[i] oui — merci — s'il vous plaît.

[e] déjeuner chez monsieur Roche.

[ɛ] il est fatigué — s'il vous plaît.

[a] ma femme arrive.

[ɔ] Sophie Roche.

[ø] vous déjeunez — monsieur.

[ə] il arriv(e) — monsieur.

[e] Marco est italien.

[ɔ̃] bonjour.

[ɛ̃] étudiant.

[j] l'étudiant.

[f] Sophie.

[g] fatigué.

[ɔ̃] bonjour — déjeuner.

[s] Sophie — sa voiture — merci.

[ʁ] monsieur Roche.

نکات زیر را بعنوان اساس روش دیکته توصیه می‌کنند:

۱. ابتدا معلم متن را با صدای بلند می‌خواند.

۲. در صورت نیاز بعضی از کلمات را شفاهاً توضیح می‌دهد.

۳. کلمات مشکل‌تر را روی تخته‌سیاه می‌نویسد و توضیح می‌دهد.

۴. متن را در حالی دیکته می‌کند که یکی از شاگردان آن را روی تخته‌سیاه می‌نویسد.

۵ — تصحیح بصورت دسته‌جمعی انجام می‌گیرد.

می‌توان نشانه‌های آوایی و املا واجهای مختلف را روی کارتهای مخصوصی برای استفاده بر روی تخته ماهوتی نوشت. در این صورت دبیر خواهد توانست با تمرینات مختلف ارتباط بین صدا و خط را به آنها به فهماند. مثال برای صدای /i/ حروف i و y و برای صدای /E/ حروف: ei, ai, et, es, é.

1. Code

۲. Signes diacritiques فی‌المثل وجود اکسان بر روی a یا ou در زبان فرانسه تمایز معنی و مقوله دستوری‌بی‌نماید.

3. Segmental 4. accent 5. intonation 6. Ton 7. liaison

8. Fautes d'orthographe 9. Fautes de grammaire

10. De Vive Voix, méthode audio - visuelle, Paris, Didier, 1972

11. Livre du maître de De Vive Voix, P. 129

12. Cappelle, Hachette. 1970

13. Introduction à la méthode, Hachette, Paris, 1975

14. Dossier

15. Bruézière, Mauge: Le Français et La Vie: «Guide pédagogique», P. 111

افعال سببی و تمرینات مربوط به آنها در کتاب انگلیسی چهارم دبیرستان

خانم فرزانه فرحزاد
دانشگاه علامه طباطبائی

مسئله اینجاست که تغییر شکل جمله‌ی a به جمله‌ی b منطقاً ممکن نیست زیرا در جمله‌ی a فاعل (they) ممکن است به میل خود به «تعیز کردن لباسها» پرداخته باشد و هیچ یک از اجزای جمله نشان نمی‌دهد که اراده یا میل کس دیگری در انجام کار دخیل بوده باشد. حال آنکه در جمله‌ی b کاری به میل و اراده‌ی دیگری (I) صورت گرفته است. این اسرارد در تمام جملاتی هم که به منظور تمرین دانش آموز آورده شده به چشم می‌خورد. به مثال دیگری از همین کتاب توجه کنید:

a. I often cut my hair.

در مورد اخیر هم کاملاً واضح است که گوینده‌ی جمله شخصاً «به کوتاه کردن موها» یش مبادرت می‌ورزد و انجام این کار را به دیگری محول نمی‌کند. در حالیکه در شکل سببی این جمله یعنی:

b. I often have my hair cut

که ظاهراً پاسخ مورد نظر مؤلف یا مؤلفین این کتاب بوده است. عمل «کوتاه کردن مو» توسط شخص دیگری انجام می‌شود و بنابراین جمله‌ی b از نظر منطقی با جمله‌ی a متفاوت است. عبارت دیگر جمله‌ی a هرگز نمی‌تواند به شکل سببی درآید، مگر آنکه بصورت زیر تغییر کند:

a. I often ask someone to cut my hair.

در اینصورت شکل سببی آن همان جمله‌ی b است و از نظر منطقی تفاوتی میان این دو وجود ندارد.

البته بطور کلی این سؤال در اینجا مطرح می‌شود که آیا ضرورتی دارد که با توجه به کاربرد محدود فعل سببی، آنرا در این مقطع تحصیلی تدریس نمود؟ و آیا بهتر نیست که در صورت وجود چنین ضرورتی، برای گزینش تمرین‌ها به کتابهای دستوری معتبر در زبان انگلیسی مراجعه نمود؟

تدریس زبان خارجی فرآیند چند بعدی و پیچیده‌ی است که یکی از ابعاد آن گزینش یا تألیف کتابهای درسی مناسبی است که بتواند نیازهای آنی و آتی فراگیرند را پاسخ گوید. کتابهایی که در سالهای اخیر برای تدریس زبان انگلیسی در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان بکار می‌رود، در مقایسه با گذشته تغییر بنیادی کرده است، اما متأسفانه هنوز هم خالی از اشکال نیست. نحوه‌ی ارائه‌ی مطالب دستوری و لغات جدید در هر یک از دروس در پاره‌ی سی از موارد موجب آشفتگی آموزگار و دانش آموز می‌شود و نه تنها یادگیری زبان بیگانه را تسهیل و تسریع نمی‌کند، بلکه حتی در بعضی موارد مانعی بر سر راه آن پدید می‌آورد.

نمونه‌ی زیر که از کتاب درسی کلاس چهارم دبیرستان استخراج شده، گواهی بر این مسئله است:

در نکات دستوری درس اول این کتاب افعال سببی تدریس شده است و در تعریف آن چنین آمده:

“When we cause something to be done for us, we use:
have + Obj. + P.P.”

و برای تفهیم مطلب هم مثالهای زیر آورده شده است:

1. a. When something is done for you, you are pleased.
b. When you **have something done** for you, you are pleased.
2. a. My tooth **was fixed** yesterday.
b. I **had my tooth fixed** yesterday.
3. a. My tooth **will be pulled** tomorrow.
b. I **will have my tooth pulled** tomorrow.

در هر سه مورد فوق، فعل جمله‌ی a بصورت مجهول آورده شده و همین فعل در جمله‌ی b به شکل سببی در آمده است. نخستین ایراد این بخش اینست که بسبب استفاده از جملات مجهول در هر سه مثال، ممکن است دانش آموز چنین نتیجه بگیرد که فقط جملات مجهول را می‌توان به شکل سببی در آورد، حال آنکه چنین نیست.

دیگر آنکه پس از توضیح کوتاهی که در مورد فعل سببی آمده است، از دانش آموز خواسته شده که ده جمله را مطابق مثال زیر به شکل سببی در آورد:

- Example. a. They cleaned my clothes.
b. I had my clothes cleaned.

هیئت تحریریه درباره‌ی پاره‌ای از نکات مقاله بالا نظریاتی دارد
لیکن ترجیح می‌دهد که نخست از خوانندگان و بخصوص از کسانی که
افعال سببی را تدریس کرده‌اند تقاضا کند تا نظرات و تجربیات خود را
در مورد این دسته از افعال برای مجله رشد ارسال فرمایند.

اخبار گروهها

ارشاد و پاسخ لازم در جهت چاپ و یا بازسازی و یا عدم چاپ آنها به دلیل رعایت نمودن بعضی موارد که با موازین اسلامی مغایرت دارد.

* تشکیل کمیته برنامه‌ریزی و طرح و تألیف کتابهای درسی و شرکت مستمر در کمیته ستاد انقلاب فرهنگی «گروه زبان فرانسه».

* دعوت از اساتید محترم دانشگاه و دبیران مجرب در جهت همکاری با گروه فرانسه به منظور تهیه جزوات جنبی و تألیف کتابهای درسی.

* تهیه جزوات جنبی توسط سه نفر از دبیران زبان فرانسه مناطق تهران و ارسال آن به واحدهای آموزشی.

* اعمال نظر پیشنهادات رسیده در مورد کتابهای درسی توسط دبیران و اساتید دانشگاهی در تدوین کتابهای درسی و یا بازسازی آنها.

* آماده سازی کتاب گرامر سال دوم تربیت معلم و بررسی مجدد آن و تحویل آن به دفتر چاپ و توزیع.

* آماده نمودن قسمت فارسی کتاب روش تدریس سال دوم و تحویل آن جهت چاپ.

* تشکیل جلسات ۱۵ روزه دبیران فرانسه تهران به منظور تبادل نظر و رفع نارساییهای موجود معلمان و همچنین پاسخ به سئوالات دبیران در زمینه‌های مربوط به آموزش زبان فرانسه.

* تشکیل چند جلسه و تصمیم‌گیری در مورد کلاسهای بازآموزی دبیران زبان فرانسه در دفتر آموزش ضمن خدمت.

* انجام کلیه امور مربوط به گروه و پاسخ به نامه‌های رسیده از دبیران فرانسه سراسر کشور و ارسال جزوه یا کتاب و یا نوارهای آموزشی درخواستی به شهرستانها و مناطق.

* امید است که با همکاری دبیران محترم زبان فرانسه تلاش کارشناسی زبان فرانسه دفتر تحقیقات روز به روز افزونتر گردد. اضافه

تشکیل گردید و مشکلات موجود در کتابهای

درسی بررسی شد.

* کتابهای درسی زبان تربیت معلم پس از بررسی و اعمال اصلاحات ضروری به واحد تربیت معلم تحویل گردید.

* کتابهای ارسالی از وزارت محترم

ارشاد اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و اظهار نظر مربوط به آنها به وزارت ارشاد ارسال شد.

* به نامه‌های رسیده از سوی همکاران در مورد نکات دستوری و اشکالاتی که در مورد تدریس کتابهای دبیرستانی داشته‌اند پاسخ داده شد. گروه زبان از این به بعد به درج آن دسته از سئوالات که جنبه عمومی خواهند داشت در نشریه رشد زبان اقدام خواهد کرد.

* کتاب معلم دوم راهنمایی آماده و به دفتر چاپ و توزیع تحویل گردید. امید است که تا نیمه اول آبان در دسترس همکاران قرار گیرد.

زبان فرانسه

* آغاز تألیف کتاب سال اول دبیرستان.

* اتمام کار تألیف کتاب معلم برای سال

اول راهنمایی و بررسی مجدد آن و تحویل برای چاپ.

* آغاز تدوین و تألیف متون قرائتی برای تربیت معلم.

* ارسال کلیه تألیفات زبان فرانسه جهت بررسی و اظهار نظر به تمام دانشکده‌های زبان فرانسه سراسر کشور.

* بررسی کتابهای رسیده از وزارت

زبان انگلیسی

* کتاب جدیدالتألیف سوم راهنمایی آماده

و به دفتر چاپ و توزیع تحویل گردید تا در سال تحصیلی ۶۶ - ۶۵ بطور آزمایشی در بعضی مناطق تهران تدریس و مورد بررسی قرار گیرد.

* کتاب جدیدالتألیف دوم راهنمایی، پس

از بررسی پیشنهادات رسیده از سوی شهرستانها و مناطقی که در آنها کتاب فوق تدریس می‌شد و اعمال بعضی از نظریات، به دفتر چاپ و توزیع تحویل گردید تا در سال ۶۶ - ۶۵ چاپ و در سراسر کشور توزیع گردد. گروه زبان انگلیسی دفتر تحقیقات امیدوار است که همکاران محترم در دوره راهنمایی سراسر کشور پس از تدریس کتاب دوم نظرات و پیشنهادات خود را مستقیماً به دفتر تحقیقات گروه زبان ارسال دارند.

* کتاب جدیدالتألیف اول راهنمایی با

تغییراتی چاپ گردید. ضمناً چارت‌های مربوط به این کتاب با همکاری دفتر کمک آموزشی در دست تهیه است.

* در دفتر تحقیقات جلسات مستمری از

دبیران راهنمایی مناطق بیست گانه تهران که کتاب دوم را بطور آزمایشی تدریس می‌کرده‌اند تشکیل گردید. در این جلسات آقای دکتر سهیلی، یکی از مؤلفین کتاب، روش تدریس آن را به تفصیل تشریح کردند.

* جلسات سرگروه‌های آموزشی استان

تهران با شرکت کارشناسان دفتر تحقیقات

می‌نماید که کمیته زبان فرانسه نیز در شورای عالی انقلاب فرهنگی با شرکت کارشناس دفتر تحقیقات و اساتید دانشگاهی مقدمات تهیه کتابهای نیمه تخصصی و تخصصی را فراهم آورده است.

زبان آلمانی

* به دنبال تشکیل جلسات مستمر با دبیران آلمانی و نظرخواهی از آنها در مورد کتابهای دوره راهنمایی، پیشنهادات اصلاحی آنان در کتابهای سال اول و دوم راهنمایی اعمال گردید و کتاب سال اول پس از اصلاح جهت چاپ برای سال تحصیلی ۶۶-۶۵ به دفتر چاپ و توزیع فرستاده شد.

* کتاب دوم نیز به علت حجم زیاد دروس و پیشنهادات مفید بعضی از دبیران با توجه به ساعات درس زبان در دوره راهنمایی که ۳ ساعت می‌باشد از ۱۲ درس به ۹ درس تقلیل یافت و پس از پایان کار تایپ به دفتر چاپ و توزیع فرستاده خواهد شد.

* کتاب سوم راهنمایی آلمانی که جدیدالتألیف می‌باشد هم اکنون برای سال تحصیلی ۶۶-۶۵ آماده می‌گردد و کار «لی‌آت» آن پایان پذیرفته است. نظر به اینکه کار ضبط دو کتاب سال اول و دوم راهنمایی بخوبی انجام نگرفته، به پیشنهاد (معلمین گروه زبان آلمانی) و با همت کارشناسان زبان آلمانی دفتر تحقیقات و همکاری شایان انستیتو گوته تهران مجدداً کتاب سال اول راهنمایی و سوم (برای اولین بار) در پژوهش امور هنری وزارت آموزش و پرورش بر روی ریل reel انجام گردید که کار مونتاژ کتاب ۳ به پایان رسیده و کتاب اول راهنمایی نیز شروع شده که بعد از پایان هر دو کتاب «در ضمن خدمت» تکثیر می‌گردد و در اختیار معلمین زبان آلمانی قرار خواهد گرفت.

* کتاب دبیرستان و هنرستان برای سال تحصیلی ۶۶-۶۵ از زیر چاپ خارج گردید و هم اکنون در کتابفروشی سازمان پژوهش موجود می‌باشد.

* به دنبال دو سمینار بازآموزی در سالهای ۶۲ و ۶۳ و اعزام تعدادی از معلمین زبان آلمانی (به مدت دو ماه) به کشور آلمان با همکاری انستیتو گوته تهران و در نظر است سومین سمینار بازآموزی دبیران در تهران با همکاری «ضمن خدمت» تشکیل گردد. موضوع سمینار: روش تدریس و معرفی کتابهای تجدید نظر شده راهنمایی و کتاب جدیدالتألیف سوم راهنمایی است که در دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی تهیه و تدوین گردیده، می‌باشد.

گزارش سمینار مسائل آموزش زبان انگلیسی در ایران ۱۱ - ۹ فروردین ماه ۱۳۶۵

انجمن استادان زبان و ادبیات انگلیسی در ایران در سال ۱۳۵۰ تشکیل شد. این انجمن هر ساله تا سال ۱۳۵۸ مرتباً سمیناری در ارتباط با یکی از مسائل زبان و زبان‌آموزی در یکی از شهرستانهای کشور برگزار می‌نمود. از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ متأسفانه این انجمن فعالیتی نداشت تا با همت تنی چند از استادان دانشگاه‌های تهران که به فکر تشکیل مجدد انجمن افتاده بودند و بنا به دعوت دانشگاه گیلان سمینار امسال برنامه‌ریزی شد.

سمینار از تاریخ ۹ لغایت ۱۱ فروردین ماه ۱۳۶۵ در محل دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان واقع در شهرستان رشت برگزار شد. موضوع بحث سمینار امسال به بررسی «مسائل آموزش زبان انگلیسی در ایران» اختصاص داشت. هدف سمینار صرفاً بالا بردن کیفیت آموزش زبان و ادبیات انگلیسی در ایران از طریق بررسی مسائل آموزش زبان انگلیسی بود.

در ابتدا جناب آقای دکتر صدرنژاد معاونت محترم وزارت فرهنگ و آموزش عالی سمینار را با بیانات خود در اهمیت آموزش زبان، به

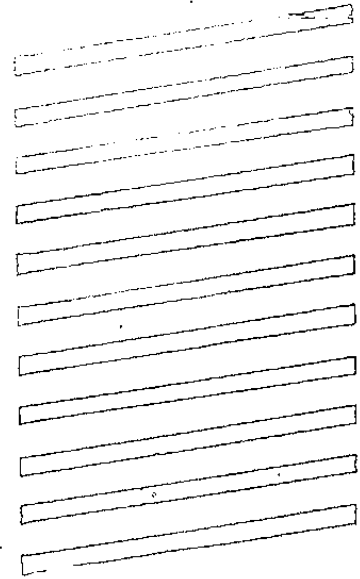
ویژه زبان انگلیسی، افتتاح نمودند. حجت‌الاسلام آقای امینیان سخنان دوم بودند که از طرف دانشگاه گیلان به حضار خوش آمد گفته موفقیت سمینار را خواستار شدند. سپس حجت‌الاسلام آقای دکتر احمدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی مطالب ارزنده‌ای پیرامون زبان و زبان‌آموزی مطرح نمودند. آنگاه سخنرانان در طی سه روز مدت سمینار دوازده مقاله به زبان انگلیسی معطوف به کتب درسی، روش آموزش، وسائل کمک آموزشی، تربیت معلم زبان و نیز تهیه آزمون بود عرضه نمودند. پس از هر یک از سخنرانها، در جلسات پرسش و پاسخ به سئوالات مطرح شده پاسخ داده شد.

حدود دویست شرکت کننده مشتعل بر استادان زبان و ادبیات انگلیسی در ایران، دبیران زبان انگلیسی و دانشجویان رشته زبان و ادبیات از شهرستانهای مختلف در این سمینار حضور داشتند. قرار است مقالات مطرح شده در سمینار در کتابی به چاپ برسد. در پایان سمینار جهت تعیین افرادی به عنوان هیأت مدیره انجمن استادان زبان و ادبیات انگلیسی در ایران انتخابات بعمل آمد و هفت تن از استادان به مدت یکسال بعنوان هیأت مدیره برگزیده شدند. هیأت مدیره جدید در مورد تعیین محل سمینار سال آینده تصمیم مقتضی خواهد گرفت.

علاوه بر بهره‌جویی از نظرات و آرای صاحب نظران، مهمترین حسن تشکیل این سمینار را می‌توان در گردهمایی تعداد زیادی از دست‌اندرکاران آموزش زبان انگلیسی سراسر کشور دانست. با توجه به نقش عمده در یادگیری زبان انگلیسی و نیز اهمیت بررسی مسائل آموزشی مربوط به آن جهت بالا بردن کیفیت آموزش و یادگیری امید است نتایج این سمینار و سمینارهای مشابه این امر مهم را اعتلاء بخشد.



نکته‌ها



چند بار گوشزد می‌کنم ولی شما توجه نمی‌کنید. همه ما معلمان، این چنین جملاتی را زیاد بکار می‌بریم و همه ما سخت در اشتباه هستیم. گوشزد کردن صرف، آموزش نیست. اولین اصل آموزش ما باید بر این پایه استوار باشد: «هرگز به کسی آنچه را که خود می‌تواند دریابد نگویند.» وظیفه ما بعنوان معلم زبان، عبارت از فراهم کردن موقعیت‌هایی است که زبان‌آموز خود از آنها زبان بیاموزد. این مطلب در مورد تمام دروس صادق است.

Bright J.A. and Mc Gregor, G.P., Teaching English as a Second Language, London, Longman Group LTD, 1970, P.1.

دستور زبان (دانش زبانی)

هنگامی که از دستور زبان یا دانش زبانی در یک زبان سخن به میان می‌آید، اصطلاح «دستور زبان» به مفهوم وسیعتری از آنچه که در بعضی از کتاب‌های درسی قدیمی هست، به کار گرفته می‌شود، یعنی دستور زبان به همه توانایی‌های زبانی ذهن انسان اطلاق می‌شود، یعنی فقط نحو (Syntax) یا نظم واژه‌ها را شامل نمی‌شود، بلکه دستگاه آوایی زبان (Phonology) یا الگوهای آوایی و دستگاه معنایی (Semantics) یا الگوهای معنایی قابل قبول در هر زبان را نیز در بر می‌گیرد.

اگر هوش سخن می‌گفت!

عده‌ای تصور می‌کنند یادگیری زبان عمدتاً به میزان هوش و استعداد فرد بستگی دارد، در حالیکه هر فردی با استعداد معمولی توانایی فراگیری زبان مادری و یا زبان خارجی را دارد. بنابراین، در شرایط عادی اگر اختلالی و یا مشکلی در فراگیری و کاربرد زبان مادری یا زبان خارجی پدید بیاید نمی‌تواند تنها به میزان استعداد یا هوش فرد مربوط باشد، بلکه احتمالاً ریشه در روش‌های آموزش زبان و غیره دارد.

در حقیقت، اگر هوش به تنهایی سخن می‌گفت، جهان از سکوتی دلپذیر برخوردار می‌شد!

Dennis Fry (1977), Homo Loquens, Cambridge University Press.

گوشزد کردن صرف، آموزش نیست

معلم با عصبانیت می‌گوید:
— چند بار بتو بگویم که این جمله غلط است. من چندین و

دی. بوئن (H.D. Bowen) معلمان دوزبانه موفق در برنامه‌های آموزش انگلیسی به عنوان زبان خارجی بر معلم انگلیسی‌زبان یک‌زبانه امتیاز دارند زیرا می‌توانند به محصلین خود ثابت کنند که توانسته‌اند یک زبان خارجی را فرا گیرند و لذا محصلین نیز قادر به چنین کاری هستند.

در چنین شرایط مناسب تدریس، می‌توان انتظار داشت که وقتی محصلین زبان انگلیسی در کشورهای غیر انگلیسی‌زبان در زبانی دیگر مهارت پیدا می‌کنند، در واقع هويت جدیدی به دست می‌آورند. ولی این هويتي با دو زبان و دو فرهنگ که دستخوش بسی‌معیاری اجتماعی و بیگانگی باشد، نخواهد بود بلکه هويتي خواهد بود که می‌تواند از محدوده تنگ نظریهای فرهنگ ملی و خارجی فراتر رود، زیرا ضمن اینکه از معیارها و ارزشهای بومی خود غافل نمی‌ماند، می‌تواند تنوع فرهنگی و همزیستی فرهنگی را بشناسد و ارزش آنرا تشخیص دهد. کوتاه سخن آنکه هويتي دوزبانه و مشترک دو چند فرهنگ خواهد بود.

(Cem and Margaret Alptekin "The question of culture", ELT Journal, Volume 38, Nol, 1984 PP 18 - 19)

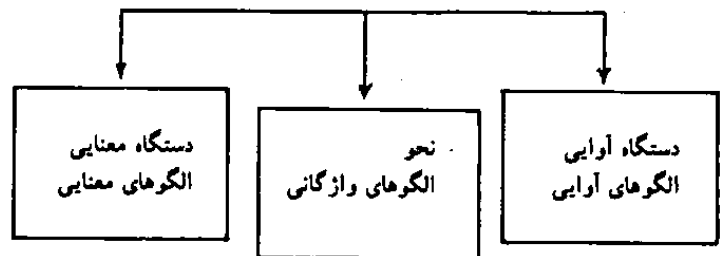
تحول اندیشه‌ها در آموزش زبان

۱ - اگر از صد معلم زبان بخواهیم تا طرح یک کتاب یا درس ایده‌آلی را بریزند بلاتردید، در حال حاضر، نتیجه کار صد طرح متفاوت خواهد بود، این طرحها از کلیه جهات قابل تصور، با یکدیگر فرق خواهند داشت و حتی بعضی از آنها دارای تفاوت‌های بنیادی با دیگران خواهند بود. این نکته دال بر این واقعیت است که زبان آموزی در مراحل جنینی خود بسر می‌برد و تعداد اصول بنیادی معتبر و مورد قبول همگان بسیار اندک است.

Palmer, H.E. Principles of Language Study.
New York: World Book Co., 1921, P. 35.

۲ - در حین تدریس با نظریه‌های متعدد و گوناگون روبرو خواهید شد. راهنمایان شما پیشنهاد‌های متفاوتی در نحوه تدریس شما خواهند داد. لکن مهمتر از همه، نتایج تجارب شخصی خود شماست که کارساز خواهد بود. از این گفته نباید چنین استنباط شود که از دو

دستور زبان



Jean Aitchison (1978) The Articulate Mammal Mc Graw - Hill, New York

فرهنگ و زبان خارجی

اگر قرار است تدریس انگلیسی به عنوان زبان خارجی در کشورهای غیر انگلیسی زبان اتریش و واقع‌گرایانه باشد، وزارت آموزش و پرورش هر کشور باید مراقبت کند که برنامه زبان‌آموزی نه به صورت ابزاری برای سیطره اجتماعی - فرهنگی انگلیسی و آمریکائی درآید و نه، به بهانه فرار از چنین سیطره‌ای، ویژگیهای قوم - مدارانه پیدا کند. این بدان معناست که باید به شکلهائی از تدریس که بر پایه ارزشها و ضوابط فرهنگ خارجی مبتنی است کمتر توجه داشت و، برعکس، به توسعه و تکامل برنامه‌های تدریس انگلیسی که از شائبه فرهنگ‌گرایی و نخبه‌پروری به دور است و در جهت نیازهای محصل تنظیم شده، عنایت بیشتر داشت. مطلب بالا متضمن این معنا نیز هست که باید برای محصلین فرصتهایی فراهم ساخت که انگلیسی را هم در مورد موقعیتها و اوضاع محلی و هم در ارتباط با اوضاع و احوال بین‌المللی مورد علاقه خویش، بکار ببرند. و بالاخره، به موازات تدریس انگلیسی در چارچوب بافتهایی که از لحاظ فرهنگ بومی و از جهت ارتباط آن با دیگر فرهنگها، در زندگی محصلین مورد پیدا می‌کند، باید در جذب و استخدام معلمان از بین دوزبانه‌های موفق - هم در محل و هم از کشورهای انگلیسی‌زبان - تلاش بیشتری کرد. این قبیل معلمان که کمتر به «شوونیسیم» زبان مادری و فرهنگ بومی دچارند می‌توانند در قلمرو آموزش انگلیسی به عنوان زبان خارجی، نمونه‌های ممتازتر و مناسب‌تری باشند. آنها می‌توانند به شاگردان نشان دهند که چگونه می‌توان، ضمن داشتن کارآیی قابل توجه در یک زبان بخصوص، اندیشه همزیستی چند فرهنگ را نیز پذیرفت. به اعتقاد اچ.

پادشاهای انسانهای خوب از آن او خواهد بود. با حقوقی منظم، گرچه نسبتاً کم، و امنیت شغلی، وی از نگرانیهای مالی آزاد خواهد بود و آن زمان قادر خواهد بود که تمام توان خود را بر سر کار منتخب خویش



en
h Wien.
fährt auch heute nach
n.

دیدگاه متفاوت که در متخصص به آن رسیده اند الزاماً فقط یکی باید صحیح باشد. با اینکه مثلاً، اگر متخصصی از یک نظریه و متخصص دیگری از نظریه متفاوتی جانبداری می کنند، یکی از آن دو بدون شک در اشتباه است. تدریس زبان هنوز جزء علوم قطعیه بحساب نمی آید. هر نظریه ای مادامیکه نتایج موفقیت آمیزی به بار بیاورد، نباید آن را مردود شناخت هر چند که ممکنست آن نظریه فقط بکار محدودی از معلمان بیاید. هر فردی در ابراز نظرات خود آزاد بوده می تواند آموزش زبان را بر مبنای تجارب شخصی خود بنا کند مشروط بر آنکه زبان آموزان به سرعت و به درستی انگلیسی را بیاموزند. معلم زبان بیشتر نقش یک هنرمند را ایفا می کند تا یک دانشمند را.... در کتابهای آموزشی باید بنا به مقتضیات هر کشور و حتی خصوصیات هر معلم جرح و تعدیل هایی صورت داد. ممکن است شما هم مثل تعدادی از معلمان زبان به این نتیجه برسید پس هیچ کتاب درسی کاملی وجود ندارد. پیشنهاد من اینست در حالی که از راهنماییهای مفید کتابهای درسی سود می جوئید و از موفقیت و ناکامی سایر همکاران درس می گیرید سعی نمایید ترفندهای آموزش خود را خود بوجود آورید. روزی فرا خواهد رسید که شما خود دست به تدوین کتابهای درسی بزنید.

Gatenby, E.V. *English as a foreign language, Advice to Non - English Teachers.* London Longmans, 1944, P.35.

۳ - کلاس درس، یعنی اتاقی با سی چهل نفر شخصیت متفاوت، و هر کدام با مقداری خوبی و بدی ذاتی، مکانی است سرشار از تنوع و به دور از ملال و کنسالت زیرا، هیچ دو کودکی همسان نیستند. لذا هیچ دو کلاسی نمی توانند همسان باشند. کنترل و اداره اتاقی پر از شور و تحرک، جلوگیری از به هدر رفتن این شور و تحرک، هدایت بخشی از نیروی حیاتی کشور در مسیرهای سودمند و بر رفتار و گفتار آتی گروهی اثر گذاشتن، امتیاز و مسئولیتی است بس خطیر. این مسئولیت هیچ شباهتی با کار جمع زدن ارقام در بانک، یا امور منشیگری در یک اداره ندارد. تدریس یک هنر و، در عین حال، یک رسالت است. معلم ذهنهای انسانها را قالب ریزی می کند و دنیای بهتری می سازد.

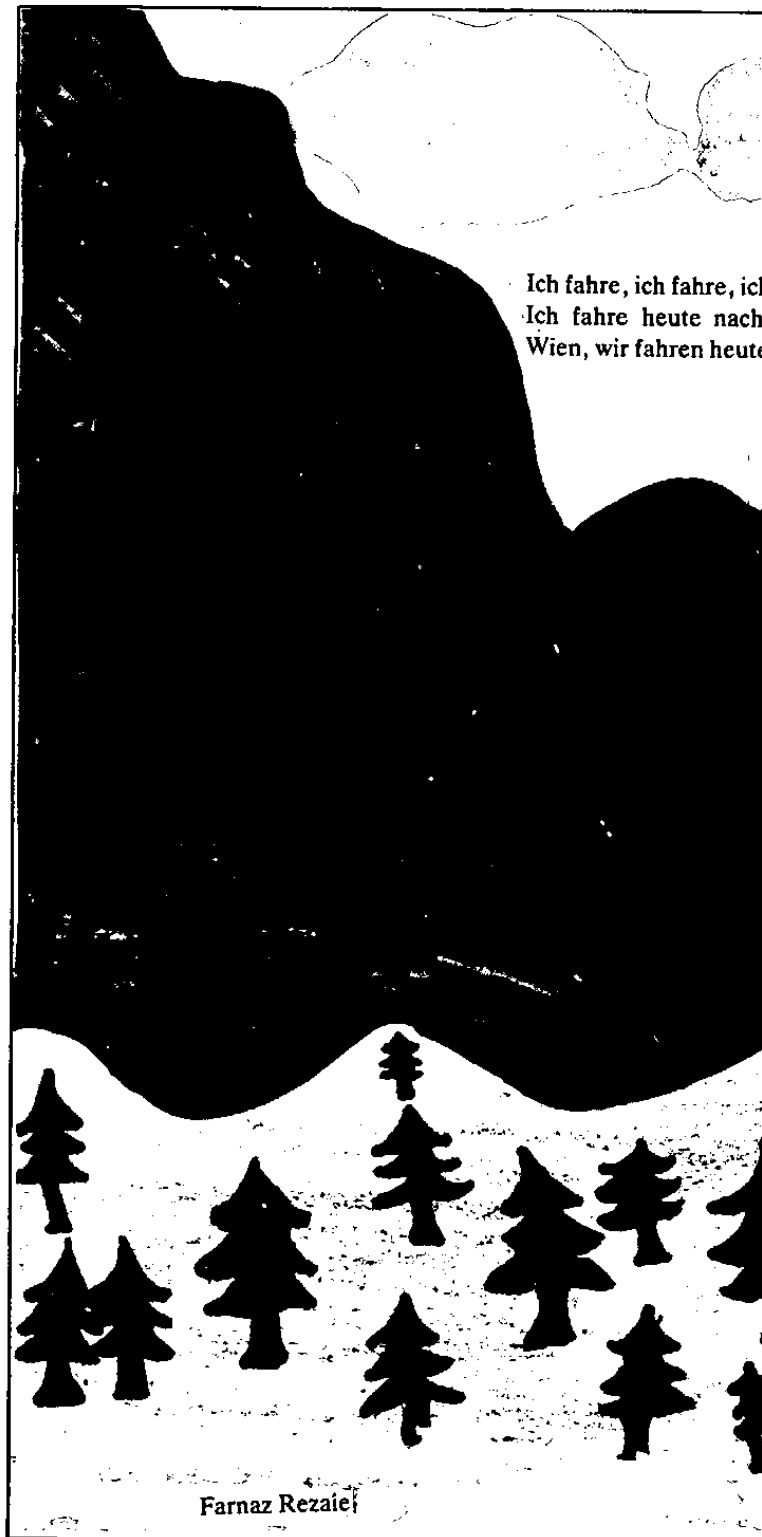
و اما در مورد چشم اندازهای مادی. هدف اصلی معلم باید زندگی کردن برای تدریس باشد نه تدریس برای زندگی. اگر همتی این چنین داشته باشد به چیز دیگری نیازمند نخواهد بود زیرا تعام

(E.V.Gatenby, English as a Foreign Language,
Longmans, 1961 (7th Impression) P.3)

— اثر انکار ناپذیر آموخته‌هایی
که به تصویر کشیده می‌شوند

تجسمی از آموخته‌ها

با یاری گرفتن از سرودها و اشعار کوتاهی که به زبان مورد نظر باشند، می‌توان مطالب بسیاری را که ذهن دانش‌آموز در حالت عادی قدرت فراگیری آنها را مخصوصاً در قالب توضیحات دستوری ندارد، بر اجتناب به ایشان آموزش داد. به عنوان کاری جنبی و سرگرم کننده و بمنظور تثبیت فراگرفته‌ها در ذهن ایشان از آنها خواسته می‌شود، تصورات خود را دربارهٔ متن و یا سرود بخصوص روی کاغذ بصورت تصویر و یا نوشته منعکس کنند. صحنه‌هایی که انسان در حالت خواب و رؤیا برایش مجسم می‌شود و به اصطلاح خواب می‌بیند، چنان در ذهن می‌نشیند که گذشت زمان کمترین اثری در زایل کردن آن ندارد. اگر ما بتوانیم متن و مفهوم بعضی از آموخته‌ها را به تصویر بکشیم، اثر همیشگی و دائمی آن متن یا درس همراه دانش‌آموز خواهد بود و ما هم همین را می‌خواهیم. بقول عکاسها جملات سرود با قرار گرفتن در داروی تثبیت تصویر در فضای ذهن جاودانی می‌شود. هرگاه که دانش‌آموزان به این تصاویر که کار خودشان است، نگاه می‌کنند بی‌اختیار سرودش را می‌خوانند و شاید اهل خانه را هم و می‌دارند که توجه داشته باشند که فرزندانشان حتی اشعار و سرودهای زبانی را که انتخاب کرده‌اند، فرا گرفته و با اشتیاق می‌خوانند. تصاویر مینیاتوری را که هنرمندانی چون بهزاد در تفسیر بعضی از اشعار یا رباعی‌های بعضی از شعرا خلق کرده‌اند، همه دیده‌ایم. آن تصویرها گاهی انسانرا ساعتها در خود فرو می‌برند.



مروری کوتاه بر:

سمینار انجمن استادان زبان و ادبیات انگلیس دانشگاه گیلان

از: احمد صفارمقدم

در سال ۱۳۵۰ با هدف بالا بردن سطح آموزش زبان در دانشگاههای کشور تاسیس شد و فعالیتهای خود را عمدتاً به صورت تشکیل سمینارهای سالیانه در مراکز دانشگاهی آغاز کرد. سمینارهای این انجمن از زمان تاسیس عموماً در دانشگاههای تهران، مشهد، شیراز، تبریز و اصفهان تشکیل شده و مجموعه مقالات تحقیقی آن چاپ و منتشر گردیده است. اداره انجمن بر عهده هیات مدیره ای مرکب از هفت عضو است که برای مدت یک سال در پایان سمینارهای سالیانه توسط اعضای حاضر انتخاب می شوند.

سمینار گیلان

تشکیل سمینار نوروزی انجمن در دانشگاه گیلان که می توان آن را یازدهمین سمینار انجمن دانست بیشتر مرهون تلاشهای خانم دکتر مینو ورزگر (دانشگاه تهران) به عنوان سرپرست کمیته اجرایی و دکتر حسین فرهادی (دانشگاه تربیت معلم)، دکتر محمدضیاء حسینی (دانشگاه علامه طباطبائی) و دکتر پرویز مفتون (دانشگاه علم و صنعت ایران) به عنوان اعضای این کمیته می باشد. در کمیته تشکیلاتی سمینار، علاوه بر نامبردگان، دکتر حسین وثوقی، دکتر ابوالقاسم سهیلی و دکتر مجدالدین کیوانی (دانشگاه تربیت معلم)، دکتر عباس عبدالمهی (دانشگاه علم و صنعت ایران)، دکتر جلیل بانان صادقیان (دانشگاه علامه طباطبائی)، آقای علیرضا خلیقی (دانشگاه شهید بهشتی) و دکتر اسماعیل افشار نادری (وزارت آموزش و پرورش) عضویت و همکاری فعال داشته اند. کمیته اجرایی با استفاده از فرصت

عهده رفع تمامی نیازهای آموزشی برآیند و به این دلیل، تامین لازم و تشویق گروههای تخصصی به طرح و اجرای چنین برنامه ها راه حل موثری محسوب می شود. با در نظر گرفتن این جهات، کار انجمن استادان زبان و ادبیات انگلیسی که تنها به انگیزه دلبستگی معنوی و تعهدات خدمتی و بدون هیچگونه تحمیل بودجه صورت گرفت می تواند نمونه ای از یک طرح آموزشی تخصصی موفق به حساب آید.

نگارنده که خود یکی از شرکت کنندگان این سمینار بود بر آن شدم که برداشتها و اطلاعات خود را درباره سابقه انجمن و چگونگی تشکیل و برگزاری سمینار، همراه با پیشنهادی چند در جهت بهبود فعالیتهای آینده آن تقدیم علاقمندان نمایم به این امید که آشنایی عموم دست اندرکاران زبان آموزی با این انجمن و مشارکت و همکاری آنان، توسعه و توفیق بیشتر برنامه های زبان آموزش در کشور را امکان پذیر سازد.

سابقه انجمن

انجمن استادان زبان و ادبیات انگلیسی

در یکی دو ماه آخر سال گذشته، گروهی از استادان زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاههای مختلف، وقت و نیرو و امکانات خود را با شور و شوق فراوان در طبق اخلاص گذاشتند تا با همکاری و همفکری قابل توجهی، توان آموزشی و مهارت شفلی خود و همکارانشان را افزایش دهند. این حرکت چشمگیر که پس از چند سال رکورد، علیرغم نواقص و کمبودهای آن، به صورت سمینار جالبی از تاریخ نهم تا دوازدهم فروردین سال ۱۳۶۵ به دعوت و با همکاری صمیمانه دانشگاه گیلان تازه های زبان آموزی را برای تعداد زیادی از استادان، دبیران، دانشجویان و علاقمندان از موسسات غیر دانشگاهی فراهم ساخت، اثر روحی و علاقه شفلی زیادی در حاضران به جای گذاشت و سال نو را آغازی شیرین و پر بار آفرید.

امروزه ضرورت اجرای طرحهای آموزشی تخصصی بر هیچکس پوشیده نیست و پیشرفت روزافزون علوم و فنون، توجه خاص به این گونه آموزشها را اجتناب ناپذیر ساخته است. از طرف دیگر، دستگاههای دولتی به دلیل مشکلات گوناگون نمی توانند راساً از



کوتاهی که در پیش داشت سازمانها و گروههای ذریبط را به شرکت در سمینار فرا خواند و در نتیجه حدود دویست نفر از عموم دانشگاههای کشور، وزارت آموزش و پرورش و نیز چند موسسه غیر دانشگاهی در جلسات آن حضور یافتند.

جلسه افتتاحیه سمینار صبح شنبه نهم فروردین با خیر مقدم حجت الاسلام امینیان، نماینده حضرت آیت الله منتظری در دانشگاه گیلان، و سخنان دکتر خطیب الاسلام صدرنژاد، معاون پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی آغاز شد و سپس حجت الاسلام دکتر احمدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، ضمن تاکید بر نیاز جامعه به فراگیری زبانهای خارجی به منظور دستیابی به علوم و فنون جدید سخنانی ایراد کرد و در بن رابطه توجه کامل حاضران را به لزوم دلبستگی کامل به تاریخ و فرهنگ و آداب و سنن خود، اجتناب از جذب در فرهنگ منحط غرب و حفظ و تقویت زبان فارسی و پیراستن و پالودن آن از طریق معادل سازی و معادل یابی برای لغات و اصطلاحات بیگانه جلب کرد و واژه های دیواره، کشور یا کشفان، خرده موج و کلان موج را به ترتیب در برابر پارتیشن، پلاستیک، میکروویو و ماکروویو مثال زد. سپس دکتر روزگر، سرپرست سمینار، اطلاعات مشروحی در زمینه فعالیتهای انجمن و نحوه تشکیل سمینار در اختیار حاضران گذاشت و بالاخره دکتر لطف اله یارمحمدی، استاد دانشگاه شیراز و یکی از بنیانگذاران انجمن، به تفصیل وضعیت گذشته، حال و آینده زبان آموزی را تشریح کرد و در پایان، برای نیل به اهداف آموزش زبان انگلیسی، پیشنهاد نمود

که دانشجویان این رشته پس از دو سال اول دوره کارشناسی مورد ارزیابی قرار گیرند و تنها دانشجویان مسعدتر و علاقمندتر برای دریافت درجه کارشناسی و درجات بالاتر ادامه تحصیل دهند و به دیگران مدرک کاردانی داده شود.

جلسات بعد از ظهر شنبه تا دوشنبه به سخنرانیهای علمی و بحث و اظهار نظر درباره آنها اختصاص یافت و در آخرین نشست روز دوشنبه، اعضای جدید هیات مدیره انجمن ضمن برگزاری انتخابات برای مدت یک سال برگزیده شدند.



مقالات تحقیقی

در طول سمینار دوازده مقاله تحقیقی ارائه شد که در زیر به طرح خلاصه هر یک می پردازد.

۱ - دکتر کاظم لطفی پور - دانشگاه تبریز: مهارت یادداشت برداری بر پایه اصول سخنکاو.

اعتقاد اکثر دست اندرکاران تدریس زبان انگلیسی در سطح دانشگاه بر این است که مهارت یادداشت برداری یکی از کمبودهای برنامه های آموزشی می باشد و عدم آشنایی با آن یکی از مشکلات تحصیلی و پژوهشی دانشجویان به حساب می آید. این مقاله با استفاده های سخنکاو (DISCOURSE ANALYSIS) روشهایی را برای کمک به دانشجویان به منظور کسب این مهارت پیشنهاد می نماید.

۲ - دکتر محمد فلاحی - دانشگاه علم و صنعت ایران: تحلیل ساختاری مستون تخصصی جهت برنامه ریزی زبان کاربرد.

در دانشگاههای ایران مدت زمانی که برای تدریس زبان تخصصی کاربردی اختصاص می یابد معمولاً بسیار کم بوده و فرصت کافی باقی نیست که ساختارهای عمومی زبان بطور جامع به دانشجویان تدریس شود. به همین دلیل، اگر چه دانشجویان به مهارتهای چهارگانه زبان آموزی نیاز دارند، با توجه به ضیق وقت، گرایش آنها بیشتر به درک مطلب متونی است که منحصرأ مربوط به رشته تخصصی آنها می باشد. به منظور تطبیق برنامه درسی با نیاز دانشجویان پیشنهاد می نماید که تحلیل آماری از فراوانی ساختارهایی که در متون تخصصی کثرت بیشتری دارند تهیه شود و در برنامه ریزی دروس تخصصی زبان کاربردی مورد استفاده قرار گیرد. مقاله حاضر الگویی برای انجام این تحلیل است.

۳ - دکتر حسین حسینیان - دانشگاه شهید باهنر کرمان: نگاهی دیگر به ساخت بندهای موصول در زبان انگلیسی.

تحلیل (ROSS 1969) برای ساختمان بندهای موصولی توصیف نحوی مناسبی است ولی از نظر اصول معناشناسی مشکلات جدی به وجود می آورد. راه حل منطقی پیشنهادی این است که از DERIVED CATEGORIES مطرح شده در (GAZDAR 1981) استفاده شده، بند موصول را ساختی بدانیم که دارای مقوله ای چون α/β است. این مقوله در بین انشعابهای لازم بر β/β حاکم است بطوری که α و β هر دو مقوله های دستوری معمول زبانند و β/β مقوله ای است از

نوع B که دارای همه نوع مشخصات نحوی و واژگانی است ولی واقعیت‌آوایی ندارد. این تحلیل دارای نقاط قوت نحوی و معنایی است و ما را از گشتارها و سطح انتزاعی ژرف ساخت بی‌نیاز می‌نماید.

۴ - ایرج فرهمند - دانشگاه مازنداران: ابزارهای کمک آموزشی:

این مقاله ضمن تشریح پیشرفتهای فن‌شناسی آموزشی در امر زبان‌آموزی، بر اهمیت کاربرد ابزارهای کمک آموزشی از جمله نوار و ضبط صوت که استفاده از آن برای عموم امکان‌پذیر است تاکید نموده و فواید استفاده از این ابزار را توصیف می‌نماید.

۵ - دکتر جلیل بانان صادقیان - دانشگاه علامه طباطبایی: پیشنهادهایی درباره تدریس قرائت به دانشجویان.

در این مقاله پیشنهادهایی درباره روش تدریس قرائت ارائه شده که می‌تواند در طرح درس قرائت و نیز تهیه متون لازم در دانشگاه‌های ایران مورد استفاده قرار گیرد. شناخت و دسته‌بندی منشاء بالقوه اشکالات و عدم درک مطالب، طرح وضعیتهای و فعالیتهای تحریک‌آور در متون درسی، اجتناب از تاکید بر جنبه‌های خاص قرائت، تقسیم‌بندی منطقی زمان و بالاخره ارائه یک درس نمونه از نکات اصلی مقاله است.

۶ - دکتر سیدمحمدضیا حسینی - دانشگاه علامه طباطبایی: چرا روشهای تدریس با شکست مواجه می‌شود.

در این مقاله استفاده از روشها و

تقسیماتی که زبان‌شناسان اصولاً برای تحقیقات زبانی اختیار و ابداع کرده‌اند و نیز عدم توجه به نیازها، علاقمندیها و بطور کلی شخصیت فراگیران به عنوان دو عامل شکست روشهای تدریس ذکر گردیده و ضمن ارائه آزمایشی که در این رابطه صورت گرفته است بر لزوم ایجاد جامعه زبانی مشابه با جامعه خارجی زبان تاکید می‌شود.

۷ - دکتر مینو ورزگر - دانشگاه تهران: اصول تدریس ادبیات در رشته زبان انگلیسی.

هدف نهایی از آموزش خواندن اصولاً باید آماده کردن دانشجویان برای درک و فهم ادبیات باشد ولی این تفکر که آموزش خواندن مستقیماً به این نوع مهارت ختم می‌شود بدون تحقیق و بررسی قابل قبول نیست. درک ادبیات به دلیل ویژگیهای آن مثل عدم رعایت قوانین دستوری، هماهنگی کلمات و استفاده از مفاهیم ادبی مشکلاتی را برای دانشجویان پیش می‌آورد. بنابراین، ادبیات تنها ادامه مهارت خواندن نیست و مهارتهای دیگری از قبیل توانایی بسیار بالای زبانی، آشنایی با فرهنگ زبان مربوطه، توانایی ذهنی و از همه بالاتر، توانایی ادبی برای درک آن ضروری است.

۸ - دکتر عبدالحسین معمار صادقی - دانشگاه شیراز: جذب دانشجویان با استعداد به شغل معلمی زبان انگلیسی.

بیشتر دانشجویان رشته ادبیات انگلیسی دانشگاه شیراز پس از فراغ از تحصیل معلم زبان می‌شوند. با وجود این، بعضی از آنها از تدریس اظهار تنفر می‌کنند و تعدادی از

دانشجویان دختر نیز اصولاً از کار کردن روی گردان می‌شوند. مشکل واقعی این عده هراس از روبرو شدن با دانش‌آموزان است. حل این مشکل و ارائه پیشنهادهایی در رابطه با کتابهای درسی و تدریس عملی مورد تاکید این مقاله می‌باشد.

۹ - محمدرضا کرمی‌پور - دانشگاه دهخدا، قزوین لزوم مشارکت دانشجویان در تصمیمات آموزشی.

در طرح برنامه‌های آموزشی، علایق و نظرات دانشجویان باید مورد توجه قرار گیرد. بنا ایجاد هماهنگی و ارتباط بین اهداف آموزشی با نظرات و تمایلات دانشجویان آموزش مؤثر امکان‌پذیر می‌شود. این مقاله ضمن بحث در نتایج چنین رویه‌ای، به نحوه مشارکت دانشجویان در برنامه‌ریزی و تصمیمات آموزشی می‌پردازد.

۱۰ - حمید طبیبیان - دانشگاه شیراز: کاربرد لطیفه در زبان‌آموزی.

دلایل تأثیر مثبت شوخی و لطیفه در زبان‌آموزی، مهارتهای زبانی قابل گسترش در اثر کاربرد شوخی و لطیفه، ملاکهای گزینش و عدم گزینش، گردآوری و ارائه در سطوح مختلف و بالاخره انواع گوناگون شوخی و لطیفه بخشهای اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد.

۱۱ - عبدالجواد جعفرپور - دانشگاه شیراز: ارزیابی توانایی شفاهی زبان توسط استادان غیر انگلیسی زبان.

هدف از این مقاله تعیین ارزش و اعتبار

آزمون داوطلبان دوره کارشناسی ارشد رشته زبان انگلیسی در دانشگاه شیراز است که طی چند سال گذشته توسط استادان غیر انگلیسی زبان برگزار شده است. بررسی کیفیت هماهنگی بین ممتحنین، قسمت شفاهی آزمون و بخشهای مرتبط تلفظ، دستور، واژگان، روان‌گویی و درک مطلب مورد تأکید مقاله می‌باشد و برای این منظور نمرات سه تن از استادان به پنجاه و هشت نفر از داوطلبان مورد بررسی و تحلیل آماری قرار گرفته است.

۱۲ - دکتر حسین فرهادی - دانشگاه تربیت معلم: سنجش توانایی زبان در زمینه‌های تخصصی.

امروزه آموزش زبان تخصصی و نیمه تخصصی مورد توجه خاص قرار گرفته است ولی متأسفانه پیشرفتهای علم سنجش توانسته است با پیشرفتهای آموزشی در زمینه زبان تخصصی همگام شود. در واقع هیچ تلاش مثبت و قابل ملاحظه‌ای در تهیه آزمونهایی که بتوانند توانایی زبان تخصصی دانشجویان را مورد ارزیابی قرار دهد به چشم نمی‌خورد. این مقاله حرکتی است در این جهت که نارساییهای آزمونهای موجود را بررسی و روش جدیدی را جهت تهیه آزمونهای مناسب برای زبان تخصصی پیشنهاد نماید.



برگزارکنندگان سمینار با توجه به فرصت محدود خود به بخشی از هدفهای کلی انجمن تحقق بخشیدند که می‌تواند اساس کارهای بزرگ آینده باشد. به عبارت دیگر، ارزش بالقوه سمینار بسیار بیشتر از بازده بالفعل آن بود. پیشنهادهای زیر صرفاً برای حصول این بازدهی بالقوه مطرح شده است:

۱ - انجمن فاقد آیین‌نامه اجرایی و دستورالعمل مدونی است که وظایف، مسئولیتها و راه حل کار و نیز برنامه زمان‌بندی امور سمینار را در برداشته باشد. فقدان چنین دستورالعملی یقیناً به کاهش کارایی سمینار می‌انجامد.

۲ - انجمن باید از مسایل و مشکلات زبان‌آموزی در کشور آگاهی کامل داشته باشد. تدوین فهرستی از این مسایل و مشکلات می‌تواند زیربنای مؤثری برای برنامه‌ریزیهای کوتاه مدت و بلند مدت انجمن، تشکیل سمینارهای سالیانه و نیز راهنمایی برای پژوهشهای زبانی استادان، دبیران، دانشجویان و دیگر علاقمندان باشد. این نخستین گام در جهت کمک به بهبود زبان‌آموزی خواهد بود.

۳ - نتیجه‌گیری و ارزشیابی هر یک از مقاله‌های تحقیقی در جریان برگزاری سمینار از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است. صرف خواندن یک مقاله و طرح چند سؤال و اظهار نظر موافق و مخالف - با همه سودمندیها - چندان کارساز نخواهد بود. انجمن باید بهره‌گیری از نیروهای حاضر در سمینار نسبت به ارزشیابی مشخص هر یک از مقالات اقدام

نماید. نظرها و پیشنهادهایی که مورد تصویب قرار می‌گیرند کلید حل مشکلات زبان‌آموزی محسوب می‌شوند. بدون دست‌یافتن به این کلید چه مشکلی قابل حل است؟ برای رسیدن به این منظور بهتر است استادان را بر اساس تخصص به گردهمایی تقسیم کرد و بخش کمی از وقت سمینار را صرف بحث و بررسی تخصصی مقالات نمود. نظر نهایی گروه‌ها پس از طرح و تصویب در جلسات عمومی به منزله رأی رسمی انجمن خواهد بود.

۴ - افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در سمینار به حداکثر ممکن (که با امکان تأمین خدمات لازم نسبت مستقیم دارد) بیشترین استفاده از زحمات و تلاشهای همکاران را به دنبال خواهد داشت. حضور بیشتر نمایندگان مراجع تصمیم‌گیری در زمینه‌های زبان‌آموزی از اهمیت خاص برخوردار است.

۵ - چاپ مجموعه مقالات به صورت خام طبعاً می‌تواند مفید واقع شود ولی از نظر ایفای رسالت علمی انجمن هرگز کفایت نخواهد کرد. حداقل خدمت انجمن به عنوان یک مرجع علمی، اعلام رسمی و ابلاغ نظرها و پیشنهادها مصوب به مراجع برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری است. پیگیری و تلاش برای به ثمر رساندن نتایج کار سمینار می‌تواند ارزشمندترین قسمت کار انجمن باشد.

اطمینان دارد که اراده محکم و همت بلند همکاران ارجمند توفیق خدمات روزافزون را به همراه خواهد داشت.



شناخت

روشهای زبان آموزی

محسن شریفی حقیقی: دانشگاه علامه طباطبائی
صدیقه وجدانی: دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف

Ein anderes Beispiel: Die Uhr in der Klasse zeigt auf zehn. Der Lehrer zeigt auf die Uhr und fragt den Schüler: «Wie spät ist es? Die Schüler antworten: «Es ist zehn Uhr».

Oder: Madjid war gestern abwesend und erschien nicht zum Unterricht. Tatsächlich war Majid nicht in der Klasse.

Stellungen, die der Lehrer in der Klasse herstellt:

Zum Beispiel wird ein Schüler aufgerufen, an die Tafel zu kommen, um einen Mann zu zeichnen, der ein Buch in der Hand hält. Nun stellt der Lehrer darüber Fragen, und Ali, der Schüler, kommt an die Tafel und schreibt die Sätze vor:

Wer zeichnet den Mann?
Was zeichnet Ali?
Was hat der Mann in der Hand?
Hat Ali auch ein Buch in der Hand?
Zeichnet Ali eine Frau?

- Ali zeichnet den Mann.
- Er zeichnet einen Mann.
- Er hat ein Buch in der Hand.
- Nein, er hat kein Buch in der Hand.
- Nein, er zeichnet einen Mann.

Ein anderes Beispiel kann so vor sich gehen, daß der Lehrer ein Buch auf den Tisch stellt und eine Kreide unter den Tisch. Nun beginnt ein Schüler oder der Lehrer selbst Fragen zu stellen. Ein anderer Schüler schreibt die Antworten an die Tafel.

Wo ist das Buch?
Hat Ali das Buch?
Ist das Buch unter dem Stuhl?
Was ist unter dem Tisch?

- Das Buch ist auf dem Tisch.
- Nein, Ali hat es nicht.
- Nein, es ist auf dem Tisch.
- Die Kreide ist unter dem Tisch.

a) Direkte Methode روش مستقیم

این روش یک ارتباط مستقیم بین زبان و اشیاء دارد. برای مثال آنچه که شاگرد می بیند، لمس می کند، می شنود و می فهمد مستقیماً مورد استفاده قرار دهد. دیگر جمله را ترجمه نمی کند بلکه با مشاهده یا لمس کردن یک موضوع آنرا آنگاه درک می کند و جواب آن سؤال را فوراً می دهد.

دبیر سؤال می کند

Wie alt sind Sie?

شاگرد جواب می دهد

Ich bin dreizehn Jahre alt.

برای اینکه شاگرد متوجه شود که جمله:

Wie alt sind Sie? چه معنی دارد آنرا بفارسی ترجمه میکند.

«سن شما چقدر است» در ذهن دانش آموز میماند. اگر برای

مثال دبیر بگوید:

Ich bin vierzig Jahre alt. Ali ist 26 Jahre jünger als ich.

علی یکی از شاگردان کلاس به نزد معلم می آید و بعداً بن علی

را طبق گفته بالا باید شاگردان بگویند.

بعداً علی روی تخته سیاه می نویسد:

Ich bin 14 Jahre alt.

In der Klasse gibt es zwei Stellungen:

1) Die natürliche Umgebung in der Klasse.

2) Die Umgebung, die der Lehrer.

Zum Beispiel: «Ali sitzt in der ersten Reihe in der Klasse.

Die Schüler sehen das und der Lehrer zeigt auf Ali, der in der ersten Reihe der Klasse sitzt.

کند. بدیهی است که هیچ گونه تلاش در زمینه تمرین و کاربرد عملی زبان بیگانه از جانب معلم و نه وسیله دانش آموزان، به هیچ وجه انجام نمی گیرد. از طرف دیگر، چنانچه مشاهده کردیم، گاهی در زبان فارسی به کلماتی برمی خوریم که ترجمه دقیق و بسیار نزدیک آنها به زبان بیگانه غیر ممکن بنظر می رسد، و نیز برخی از لغات زبان بیگانه نمی تواند عیناً به زبان مادری ترجمه شود با توجه به دلایل ذکر شده در بالا دانش آموزانی که زبان بیگانه را از طریق این روش می آموزند فقط می توانند اطلاعات قابل توجهی در مورد زبان بیگانه داشته باشند ولی از آنجائیکه مهارت شنیداری و گفتاری را به هیچ وجه تمرین نکرده اند نمی توانند آنطوری که باید باشد گونه روان و سالم سخن بگویند. مشخصات این روش بصورت زیر خلاصه می شود.

Besonderheiten dieser Methode:

- 1) Lesen und Schreiben sind die wichtigsten Eigenschaften dieser Methode.
- 2) Die Muttersprache wird am häufigsten benutzt.
- 3) Die Grammatik wird nicht wie in der direkten Methode anhand von Tatsachen unterrichtet, sondern übersetzt und in die Muttersprache zerlegt.

Zum Beispiel das Wort «sein»:

Ich bin	_____	من هستم
Du bist	_____	تو هستی
Er ist	_____ (männlich)	او هست
Sie ist	_____ (weiblich)	او هست
Es ist	_____ (neutral)	او هست
Wir sind	_____	ما هستیم
Ihr seid	_____	شما هستید
Sie sind	_____	آنها هستند

Diese Methode folgert, daß das Wort «sein» auf Farsi بودن heißt, und daß die Deklination nach einem gesetzlichen Schema aufgebaut wird.

- 4.) Neue Wörter werden einfach durch die Übersetzung in die Muttersprache gelernt.
- 5.) Übersetzung und buchstabieren bilden die eigentliche Tätigkeit in der Klasse.
- 6.) Der Lehrer spricht allein während des Unterrichts, wobei die Schüler passiv mitfolgen.

c) Audio - Lingual Methode روش شنیداری، گفتاری

برخی از متخصصان این متد را به کمک روش مستقیم می دانند، با این تفاوت که مطالب درسی طبقه بندی شده، الگووار اغلب

So kann man anhand dieser Beispiele viele Übungen mit den Schülern üben.

In Kapitel V werden wir im einzelnen die Unterrichtsgegenstände und Hilfen zur Förderung des Unterrichts untersuchen.

Einige Punkte sind:

- 1.) Gegensätze sollen benutzt werden, um das Lernprogramm zu fördern.
- 2.) Schüler führen Handlungen und Theaterstücke vor.
- 3.) Zeichnungen und Gegenstände in der Klasse und außerhalb der Klasse sind Anregungen, womit sich der Lehrer, zusammen mit den Schülern, während der Unterrichtsstunde besprechen und befassen kann.
Z. B.: Hassan ist der beste Schwimmer der Klasse.
Die Klasse endet fünfzehn Minuten vor zehn, usw.
- 4.) Die Erfahrungen und Erlebnisse der Schüler außerhalb der Klasse, Zuhause, seine Familie, seine Freizeitgestaltung, seine Stadt und die Umgebung, usw.

بهترین روش برای یادگیری شاگردان همان استفاده مستقیم از رویدادها و تصاویر در کلاس و خارج از کلاس است. معلم خودش رفتاری در کلاس پیش گرفته و یا از شاگردان می خواهد که اعمالی در کلاس انجام دهند و با این ترتیب آلمانی را از طریق روش مستقیم به دانش آموزان خود یاد می دهد.

Ein anderes Beispiel: Das Üben von Perfekt.

Der Lehrer ruft zwei Schüler auf, die eine Rolle spielen sollen.
Ein Schüler geht aus der Klasse hinaus, dann öffnet er die Tür und kommt in die Klasse herein und setzt sich auf den Lehrstuhl.
Der Lehrer: «Mohammad ist in die Klasse gekommen und hat Platz genommen.»
Der Lehrer fragt den Schüler: «Wann bist du heute in die Schule gekommen?»
Der Schüler antwortet: «Ich bin heute um acht Uhr in die Schule gekommen.»
Der Lehrer fragt: «Was hast du gestern abend gemacht?»
Der Schüler antwortet: «Ich habe meine Schularbeiten geschrieben.»

روش گرامر - ترجمه b) Grammatik - Übersetzung Methode

این روش یکی از قدیمی ترین متدهای آموزشی زبان بیگانه بشمار می آید. به تجربه ثابت شده فقط افراد بسیار باهوش می توانند از این روش نتیجه مطلوبی بدست آورند. در این روش زبان مادری بیشتر از زبان بیگانه مورد استفاده قرار می گیرد و حتی بهنگام ارزشیابی معلم از دانش آموز می خواهد که آموخته های خود را بزبان مادری ترجمه

Eigenschaften:

1. Alle zugänglichen Sprachfähigkeiten sind wichtig. Das Lernen von Hören, Sprechen, Lesen und Schreiben kann schon in den ersten Tagen des Unterrichts benutzt werden.
2. Die Fremdsprache dient als die eigentliche Lernmethode.
3. Die Grammatik soll so den Schülern beigebracht werden, das sie mit den erlernten Regeln jegliche grammatischen Sätze richtig anwenden können.
4. Neue Wörter werden wie in der Audio - Lingual Methode unterrichtet.
5. Erläuterungen spielen eine große Rolle in dieser Methode. Alles soll erkenntlich und verständlich für die Schüler sein.
6. Der Lehrer und die Schüler sind beide aktiv.

بنظر برخی از متخصصان، وقتی روش شنیداری، گفتاری توأم با روش Erkenntnis مورد استفاده قرار بگیرد نتیجه مطلوب بدست خواهد آمد.

e) Kombinations - Methode روش التقاطی

طرفداران این روش عقیده دارند که آموزش زبان بیگانه به چند عامل بستگی دارد آنها می گویند سن و جنس دانش آموز و نیز زبان مادری، زبان رسمی، تجربه و علاقه، هوش و استعداد دانش پژوه مسائلی هستند که در امر یادگیری زبان بیگانه رول مهمی را بازی می کنند. از طرف دیگر خصوصیات فردی، میزان دانش و علاقه معلم نیز تا حد معینی مستقیماً در نحوه آموزش تأثیر می گذارد. تجربه نشان می دهد که گاهی یک معلم در یک کلاس از کاربرد روش مستقیم بسیار راضی بوده در حالیکه همان معلم در کلاس دیگری مجبور شده از روش مثلاً گرامر - ترجمه استفاده کند یعنی با توجه به عوامل ذکر شده در بالا نامبرده ناگزیر از اجرای روش خاص (روش انتخابی) آن محیط گشته است عبارت دیگر معلم از روش التقاطی استفاده کرده است. پس می توان مفهوم روش التقاطی را بصورت زیر خلاصه کرد:

Die Kombinations - Methode ist wie schon das Wort sagt, die beste Technik zur Benutzung der verschiedenen Unterrichtsmethoden. Der Lehrer, der diese Methode anwendet, muß mit den verschiedenen Methoden gut vertraut sein und ihre, Besonderheiten wissen.



به گونه استقراری آموخته می شود در آموزش هر بخش معمولاً سه نکته را در نظر می گیرند: ۱ - مکالمه، ۲ - تمرین الگوها، ۳ - تمرین کار برای مختصات این روش به صورت زیر خلاصه می شود:

Die besonderen Eigenschaften dieser Methode:

- 1.) Hören und Sprechen sind die wichtigsten Aspekte dieser Methode.
Das Lernen einer Fremdsprache in seiner natürlichen Folge:
Hören, Sprechen, Lesen und Schreiben.
- 2.) Die Fremdsprache wird mehr verwendet als die Muttersprache.
Wenn man das Lernen beschleunigen will, kann man die Muttersprache zur Hilfe nehmen.
- 3.) Die Grammatik wird mit folgenden Regeln erlernt:
Z. B. Das Fragewort «wo» antwortet auf **im** und **in**.
Woarbeiten Sie? - Im Büro, in der Schule.
Das Fragewort «wohin» antwortet auf **ins**, **in**, **nach**, **zum**, **zur**.
Wohin gehen Sie?
- ich gehe in die Schule.
- ich gehe ins Büro.
- ich gehe nach Berlin.
- ich gehe zum Arzt.
- ich gehe zur Schule.
Das Fragewort «woher» antwortet auf **aus**.
Woher kommen Sie? - ich komme aus Teheran.
- 4.) So werden neue Wörter in der Fremdsprache den Schülern beigebracht, indem der Lehrer Gegenstände in der Klasse zeigt, wie zum Beispiel: Bücher, Kreide, Stuhl, Tisch, usw.
Auch Bilder, Tabellen, Zeichnungen oder Synonyme und Antonyme oder Definitionen sind nützlich.
Wenn keiner dieser Techniken helfen, dann soll von der Muttersprache gebraucht gemacht werden.
- 5.) Das Benutzen von Tonbandaufnahme und Wiedergabe kann dazu dienen, die Sprache schneller zu erlernen.
- 6.) Der Lehrer und die Schüler partizipieren alle aktiv.

d) Erkenntnis Methode روش شناخت

هدف این روش درک آگاهانه کاربرد ساختمان و (ترکیب جمله بندی) (Satzstruktur) است.

دانش پژوهانی که از این روش استفاده می کنند اغلب اطلاعات عمیقی در زمینه سیستم و قواعد دستوری کسب می کنند و این مهارت قبل از بکارگیری قواعد انجام می پذیرد طرفداران این روش عقیده دارند که زبان در واقع گونه ای از سیستمی است که قواعد بر آن حکومت می کنند. مختصات این روش را می توان بصورت خلاصه درآورد:

گروه زبان انگلیسی

۱ - تغییرات کتاب اول راهنمایی به شرح زیر است:

الف - درس نهم از کتاب حذف شده بنابراین تعداد دروس از پانزده درس به چهارده درس تقلیل یافته است.

ب - تصویر درس چهارم و مکالمه آن اصلاح شده است.

ج - تغییر و حذف بعضی از لغات و جایگزین کردن آنها با کلماتی دیگر.

د - مطالب ضمیمه کتاب (Reading Comprehension) از آخر کتاب حذف و الفبای قدیم جایگزین الفبای سال قبل شده است.

ه - علامت‌گذاریهای کتاب (Punctuations) اصلاح شده است.

۲ - کتاب دوم راهنمایی جدیدالتألیف است و تلاش گروه زبان بر این است که همراه با آن، کتاب معلم نیز در اختیار همکاران محترم قرار گیرد.

۳ - کتاب سوم راهنمایی

الف - از آنجا که کتاب سوم راهنمایی فقط یک سال (۶۶ - ۶۵) تدریس می‌شود به منظور صرفه‌جویی بدون تغییر در مطالب یا تمرینات در سطح کشور توزیع شده است.

ب - درباره کتاب جدیدالتألیف سوم که برای همکاران ارسال می‌شود گروه زبان انگلیسی انتظار دارد که همکاران محترم در موعد مقرر پرسشنامه‌ها را تکمیل و ارسال دارند تا به موقع کتاب آماده چاپ شود.

۴ - کتابهای دبیرستانی پس از اصلاح اغلاط چاپی در سراسر کشور توزیع شده است.

گروه زبان فرانسه

۱ - کتاب سال اول راهنمایی از نظر اغلاط چاپی اصلاح گردید و ضمناً کتاب معلم آن نیز در شرف چاپ است که نکات لازم در آن برای دبیران یادآوری شده است.

۲ - کتاب دوم راهنمایی و اصلاح اغلاط چاپی.

۳ - کتاب سوم راهنمایی بدون تغییرات.

۴ - کتاب اول دبیرستان در شرف تألیف و تدوین و برای سال دوم، سوم و چهارم طبق دستورالعمل‌های سنوات گذشته عمل خواهد شد.

گروه زبان آلمانی

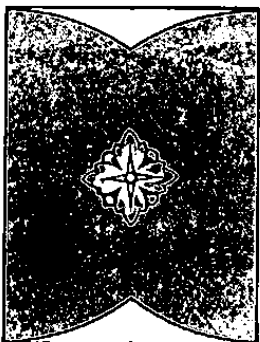
۱ - اشکالات چاپی کتاب اول راهنمایی رفع و به حد کافی مجدداً برای سال ۶۶ - ۶۵ چاپ گردیده است.

۲ - کتاب دوم راهنمایی از ۱۲ درس به ۹ درس کاهش یافته و اشکالات چاپی آن رفع

گردیده و برای سال ۶۷ - ۶۶ مجدداً چاپ می‌گردد. و برای سال ۶۶ - ۶۵ از همان کتاب سابق ۹ درس اول تدریس می‌گردد، که طی بخشنامه شماره $\frac{۸۴۲۱}{۶۴/۹/۱۸}$ و $\frac{۲۲۲۱۷/۱}{۶۴/۹/۲۴}$ به کلیه مناطق ابلاغ گردیده است.

۳ - کتاب سوم راهنمایی جدیدالتألیف می‌باشد و برای سال ۶۶ - ۶۵ چاپ می‌گردد.

۴ - کتاب آلمانی دوره دبیرستان و هنرستان جهت تدریس در سالهای اول تا چهارم دبیرستان به نام «آلمانی دبیرستان و هنرستان» Deutsche Sprachlehre für Ausländer مجدداً برای سال ۶۶ - ۶۵ چاپ گردیده و هم اکنون در کتابفروشی سازمان پژوهش موجود می‌باشد. لازم به تذکر است که برای سال ۶۷ - ۶۶ کتاب فوق‌الذکر کلاً عوض می‌شود ولی فعلاً از همان کتاب سابق در دبیرستان و هنرستان استفاده می‌گردد.



پرسش



پاسخ

که هر پرسش فقط یک جواب درست دارد. در شماره‌های آینده، در مورد بارم‌بندی و طرز نمره دادن مقالاتی چاپ خواهد شد.

۹ آیا در سطح دوره راهنمایی باید تمام زمانها و اکثر الگوهای دستوری را با استفاده از وسایل [سمعی و بصری و خلاصه] موقعیتهای مناسب] تدریس کرد یا اینکه توضیحات فارسی باید به طور کامل باشد؟ (ا. فتاحی)

۱۰ در تدریس زمانهای زبان انگلیسی، از هر وسیله‌ای که به یادگیری آن کمک می‌کند باید استفاده کرد. هر شیوه و شگردی که معلم را سریعتر و بهتر به هدف نزدیک کند بکار برده شود. البته در حد امکان باید از بکار بردن زبان فارسی احتراز کرد ولی در حالاتی که شگردهای دیگر سودمند واقع نمی‌افتد یا بیش از حد وقت می‌گیرد، کاربرد زبان فارسی برای توضیح گناهی نیست. دادن جزوه فارسی راجع به دستور انگلیسی شاید صلاح نباشد ولی توضیحات مختصر، کوتاه ولی گویا و روشن در کلاس درس، مناسب، و در مواردی، لازم است.

۱۱ با توجه به حجم زیاد درس زبان در سطح راهنمایی ساعات زبان کم نیست؟ (ا. فتاحی)

۱۲ در مورد کمی وقت تخصیص داده شده به درس زبان در مدارس ایران، ما نیز با شما موافقیم.

۹ - بارم‌بندی سوالات گرامر زبان چگونه باید باشد؟

(آقای ارشد فتاحی، خلخال)

۱۰ شیوه عمل در نمره‌گذاری نکات دستوری غالباً متفاوت است. عده‌ای از معلمان اگر بخشی از یک پرسش دستوری درست نبود هیچ نمره‌ای به کل جواب آن پرسش نمی‌دهند ولی گروهی هم هستند که بابت بخش درست، نمره‌ای منظور می‌کنند. هر یک از دو گروه دلایلی در تأیید درستی روش منتخب خود دارند.

چون اصل باید بر درستی کامل زبان باشد و ملاک باید کاربرد زبان انگلیسی توسط انگلیسی‌زبانها باشد، پس اگر tobe در حال استمراری یا گذشته استمراری حذف شود، قاعده نباید آنرا درست بحساب آورد و لذا نباید نمره‌ای بابت آن در نظر گرفت، حتی اگر verb+ing را درست بکار برده باشند. معمولاً بابت هر پاسخ صحیح پرسش واحد به نظر معلم (و با توجه به اهمیت آن پرسش در ارتباط با بقیه پرسشها) نمره واحدی در نظر گرفته می‌شود که معمولاً این نمره خرد شدنی نیست بخصوص اگر امتحان از نوع «آزمونی» باشد

۹ طرز نوشتن املاء انگلیسی را در سطح راهنمایی چگونه باید به دانش‌آموزان آموخت؟ (ا. فتاحی)

۱۰ طرز نوشتن املاء در سطح راهنمایی که معمولاً محصلین برای نخستین بار با املاء انگلیسی آشنا می‌شوند، اهمیت زیادی دارد و لذا ارزش دارد که مقاله‌ای در این زمینه، به زبان ساده و به دور از «فنی‌پردازیها» نوشته شود. در این باره مقالاتی در شماره‌های آینده رشد خواهیم داشت.

۱۱ در کتاب انگلیسی دوم راهنمایی (ص ۵۸) در مورد قیمتها اینطور سوال می‌شود.

How much are the apples?

قیمت سیب (پول) غیر قابل شمارش است، آیا نباید پرسید،

How much is the apples.

(ا. فتاحی)

۱۲ هر یک از دو کلمه how و much یک قید (adverb) هستند که مسئله تطابق (agreement) در آنها مورد پیدا نمی‌کند. اگر اسم در جملاتی از نوع جمله کتاب دوم راهنمایی، ص ۵۸، مفرد باشد فعل ربطی is یا was و اگر اسم جمع باشد فعل به صورت are یا were خواهد بود. مثال:

How much is the chair?

How much are the chairs?

آیا امکان ندارد که مؤلفین محترم کتابهای درسی سفری به مدارس سراسر کشور بنمایند و اهمیت آموزش زبان را شخصاً برای دانش‌آموزان توضیح دهند؟ (ا. فتاحی)

مؤلفان کتب درسی باید نسبت به درخواست آقای فتاحی تصمیم بگیرند که به مدارس سراسر کشور سفر کنند و اهمیت آموزش زبان خارجی را برای معلمان توضیح دهند و به طور نمونه برای آنان تدریس کنند. حقیقت اینست که گمان نمی‌رود مؤلفان کتب درسی بتوانند معلمان را از بی‌علاقگی درآورند. شاید علل بی‌علاقگی عمیقتر و ریشه‌دارتر از آن باشد که با سخنرانی و توضیح مؤلفان حل شود.

معلم چگونه می‌تواند در اسرع وقت به مکالمه مسلط شود؟ (ا. فتاحی)

اینکه معلم چگونه می‌تواند در اسرع وقت به مکالمه مسلط شود، پاسخ آماده و ساده‌ای ندارم جز اینکه عرض کنم مهارت در مکالمه، آنهم برای معلمی که احتمالاً سالها از مدرسه و درس و امکانات آموزشی به دور بوده و الان در نقطه دوردستی مانند خلخال زندگی می‌کند، چیزی نیست که در «اسرع وقت» بتوان آنرا کسب کرد. مطمئناً اگر شور و علاقه و آفری به افزایش قدرت مکالمه به انگلیسی داشته باشد، راههایی از قبیل راههای پیشنهادی زیر هست که می‌تواند به یاری آنها به هدف مطلوب خود نزدیک شود.

الف - شرکت در کلاسهای مکالمه مؤسسات آموزشی زبان (در صورتی که چنین کلاسهایی در شهر محل سکونت معلم وجود داشته باشد).

ب - تمرین با نوارهای زبان از قبیل

نوارهایی که در بازار وجود دارد (لینگافن - آکسفورد و غیره)

ج - تشکیل کلوب‌های زبان با شرکت معلمان زبان آن شهر.

د - مداومت در استفاده از مکالمه در کلاسهای درس و کوشش در رفع اشکالاتی که در هر جلسه با آن مواجه می‌شود.

آقای ولی زکایی دبیر انگلیسی از نور مازندان راجع به اختلاف نظرشان با همکاران در مورد تلفظ th شرحی نوشته و خواهان ارائه طریق شده‌اند.

از نامه آقای ولی زکایی چنین برمی‌آید که تمام همکاران ایشان معتقدند th در زبان انگلیسی، نماینده صدای /d/ است و این جای تعجب است. محققاً حق با این آقای دبیر عزیز است که th معرف صدای /d/ نیست بلکه نماینده صدایی است که با قرار دادن نوک زبان به پشت دندانهای بالا و بیرون راندن هوای متراکم شده از بین نوک زبان و دندانها حاصل می‌شود. پرسش آقای زکایی دو سؤال برای ما مطرح می‌کند.

۱ - چگونه ما می‌توانیم همکاران «نوری» خود را متقاعد کنیم که آقای زکایی برحق است؟ از طریق نامه به رئیس آموزش و پرورش منطقه؟ یا از راه درج سؤال در مجله؟

۲ - چگونه مطمئن شویم که آقای زکایی th را واقعاً /θ/ یا /θ/ تلفظ می‌کند؟ البته علی‌الظاهر ایشان تلفظ را می‌داند ولی چون اشاره می‌کند که معادل th و ظ فارسی (!) است و واقعاً چنین نیست بنده به شک افتاده‌ام. زیرا th را می‌توان گفت معادل th و ظ در تلفظ عربی آن است چون این دو علامت در فارسی درست مانند «س» و «ز» تلفظ می‌شود.

th نماینده دو صدای متفاوت در زبان انگلیسی است:

الف - /θ/ در تلفظ این صدا، نوک زبان

پشت دندانهای بالا قرار داده می‌شود، قسمت عمده زبان تقریباً در حالت منبسط یا گسترده قرار دارد، مخرج هوا که بین نوک زبان و دندانهای بالا ایجاد می‌شود تنگ است، قسمت نرم زبان (نرمکام) به طرف بالا کشیده می‌شود و بالاخره تارهای صوتی آرام و بدون ارتعاش باقی می‌ماند.

ب - /θ/ عیناً مثل /θ/ تلفظ می‌شود جز اینکه به هنگام تلفظ /θ/ تارهای صوتی به ارتعاش در می‌آید و لذا موقع تلفظ /θ/ یک صدای «وزز/...» مانند همراه آن شنیده می‌شود در صورتی که این صدای وزز... مانند با /θ/ به گوش نمی‌رسد. لذا این هر دو صدا با d که به گونه‌ای دیگر تلفظ می‌شود کاملاً فرق دارد و نباید بجای هم گرفته شوند.

آقای یوسف نقدی نقفی از مشهد ایشان ضمن نامه‌ای در مورد اهمیت زبان عربی و نقش آن در جامعه فعلی مطالبی نگاشته‌اند که موجب تشکر و قدردانی گردانندگان نشریه رشد زبان گردید.

اهمیت زبان عربی بر هیچ یک از کارشناسان سازمان پژوهش پوشیده نیست و ما امیدواریم که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی بتواند مجله «رشد عربی» را با همکاری متخصصان این زبان هر چه زودتر منتشر سازد.

همکار عزیزمان آقای سیدامین کیانی از فیروزکوه نامه‌ای نوشته و پیشنهاداتی را مطرح کرده‌اند.

با سپاسگزاری از اظهار لطف شما نسبت به مجله رشد زبان، ما هم با بسیاری از پیشنهادهای شما موافقیم، پیشنهاد آخر شما با اهداف مجله انطباق دارد و کوشش ما هم به همین زمینه معطوف شده است. اصولاً سعی شده است مطالب مجله در جهت بالا بردن کیفیت آموزش زبان خارجی در مدارس و آشنا

also a sportsman.

nor, or, but, and کلمات همپایه با

بهم مرتبط می شوند.

مثال:

a. * In the summer I usually like **driving** and to **Swim**.

مصدر

اسم مصدر

b. In the summer I usually like **driving** and **Swimming**.

اسم مصدر

اسم مصدر

c. In the summer I usually like to **drive** and to **Swim**.

مصدر

مصدر

موصوف

2. a. * His short stories have **good plots**, **good characterization**, and their **style is interesting**.

موصوف

صفت

صفت

صفت

صفت

صفت

صفت

صفت

2. b. His short stories have **good plots**, **good characterization**, and **interesting style**.

موصوف صفت

آقای معمار تهرانی با تشکر از اینکه

تعدادی از اشتباهات چاپی مجله را متذکر شده بودید ما خود از وجود این اشکالات مطلع و متأسف هستیم امیدوارم که در شماره های بعدی این گونه اشکالات تا حد امکان تکرار نشود. بسیار ممنون خواهیم شد در صورتی که باز هم به اشتباهی برخورد کردید ما را از وجود آن مطلع سازید.

1. Parallel structures

2. Correlative

3. Coordinate

۴ - جملات غیر دستوری با علامت

* مشخص شده اند.



Neither... nor, both... and, not only...

but also either... or

ساخته می شوند، در این نوع جملات باید از عبارات یا کلماتی استفاده شود که از نظر دستوری دارای یک نقش باشند. به مثالهای زیر توجه فرمایید:

1. a. *⁽⁴⁾ With his book "Westernization", Al Ahmad Proved that he was not only original but also a writer of great talent.
- b. With his book "Westernization", Al Ahmad Proved that he was not only original but also talented.

باید دقت شود که حروف ربط قبیل از کلمات یا عبارت همپایه قرار گیرند. مثال:

2. a. *Dentists advise brushing the teeth after each meal and to avoid too much suger in the diet.
- b. Dentists advise both brushing the teeth after each meal and avoiding too much sugar in the diet.

تبصره ۱ - اگر neither... nor دو جمله کامل (یا دو بند کامل جمله) را بهم وصل کند ترتیب کلمات بعد از neither و nor به صورت جملات پرسشی خواهد بود:

1. Neither is that book interesting, nor is it cheap.
2. Neither do I know him, nor do I have time to see him.
3. Neither have you finished your homework, nor have you washed the dishes.

تبصره ۲ - اگر حروف ربط not only... but also جملات کامل را بهم وصل کند، ترتیب کلمات بعد از not only به صورت جملات پرسشی خواهد بود:

1. a. Not only do you need more time, but also you need new machinery.

جمله بالا را می توان به صورت زیر هم با تغییر محل کلمه also نوشت:

1. b. Not only do you need more time, but you also need new machinery.
2. a. Not only is he a good student, but also he is a sportsman.
- b. Not only is he a good student, but he is

کردن معلمان به رموز و فنون یادگیری و آموزشی آن باشد. در زمینه سوالات کنکور ورودی دانشگاه ها می باشد در مجله رشد تاکنون در چند مقاله به ارزیابی و بررسی آنها پرداخته ایم. علاوه بر این، یک سری مقاله هم به شیوه ارزیابی و تهیه آزمونهای زبان انگلیسی اختصاص داشته است.

آقای یونس میرزازاده از ماکو پاسخ صحیح جملاتی که در تمرین B صفحه ۲۲ کتاب انگلیسی سال اول دبیرستان آمده خواستار شده اند پاسخ جملات به شرح زیر است.

1. Ahmad is neither tall nor short. (قبل از دو صفت)
2. You should either join us or leave. (قبل از دو فعل)
3. Either those trees must be watered or they will die. (قبل از دو اسم یا ضمیر)
4. Either my dog ran away or someone stole it. (قبل از اسم یا ضمیر)
5. Farhad liked neither the main course nor the dessert. (قبل از دو اسم)

ضمناً توجه آقای یونس میرزازاده را در ارتباط با استفاده از حروف ربط به مطالب زیر جلب می نماید.

در زبان انگلیسی ترکیبات هم سطح^۱ بدو صورت بکار می روند:

۱ - هم بسته^۲ - هم پایه^۲

برای اینکه ترکیبات هم پایه از روانی لازم برخوردار باشند نه تنها باید کلمه را با کلمه، عبارت را با عبارت و ... بکار برد بلکه در اینگونه ترکیبات باید از کلماتی که نقش دستوری یکسان دارند استفاده نمود. اینک به توضیحات زیر توجه فرمایید:

الف: ساختارهای بهم پیوسته با کلمات (حروف ربط)

از: تقی تقوی نژاد

رسانه آموزشی خاص خود را دارد که بلاشک بایستی نوع و چگونگی استفاده آن با توجه به شرایط فوق در نظر گرفته شود، از شواهد و مدارک موجود چنین استنباط می شود که تا جنگ جهانی دوم برای آموزش زبان تنها رسانه آموزشی که در محیط های آموزش رسمی بکار گرفته می شده همان وسیله معمول و متداول کتاب درسی، تابلو و گچ بوده است و شاید در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیست با پیدایش گرامافون در پاره ای از موارد که نیاز ایجاد می نموده از تقلید صدای فرد روی صفحات گرامافون بهره جویی می شده است تا اینکه بالاخره در بحبویه جنگ دوم جهانی لزوم کاربرد زبان بصورت واقعی آن بعنوان وسیله ارتباط امری اجتناب ناپذیر می گردد و ضروری می نماید که در زمینه آموزش آن از صفحه و سیستم های صوتی بعنوان رسانه آموزشی بهره گرفته شود این امر پس از جنگ بصورتی بسیار جدی مورد مطالعه و استفاده قرار گرفت. و تا بدانجا پیشرفت نمود و فراگیر شد که امروزه آموزش زبان بویژه زمانی که هدف کاربرد آن باشد نمی تواند بدون استفاده از وسایل صوتی آنطور که شایسته است کارائی لازم را داشته باشد، بهمین مناسبت همزمان با مؤسسات مختلف اقدام به تولید گونه های متفاوت و فراوانی از این نوع رسانه ها نمودند و همآهنگ با روش های بهره گیری مختلفی نیز ابداع و بکار گرفته شد

استحکام لازم امر تهیه قطعه جهت تعمیر و نگهداری آن نبایستی نارسائیهای پیچیده غیر قابل حلی را بوجود آورد و همچنین جهت تعمیر آن به متخصصینی با تخصصهائی بسیار بالا با تجربه زیاد نیاز باشد.

۴ - نیروی انسانی: در رابطه با بهره گیری آن از نظر کمی و کیفی به نیروی انسانی غیر قابل دسترس نیاز نباشد.

۵ - تاسیسات (فضای مورد نیاز): برای بکارگیری رسانه مورد نظر وجود فضا و تاسیسات ویژه غیر معمول ضرورت نداشته باشد.

۶ - محدودیت: کاربرد رسانه مورد استفاده نبایستی محدود بوده بلکه بایستی امکانات وسیع بهره گیری در زمینه ها و موقعیتهای مختلف آموزشی را دارا باشد.

۷ - سرمایه و هزینه: تهیه آن به سرمایه گذاری غیر معقول در ابتدای امر و نگهداری آن در طول زمان به هزینه سرسام آور نیاز نداشته باشد.

آنچه ذکر شد رئوس اصولی است که بایستی در رابطه با تهیه رسانه آموزشی جهت انجام هرگونه فعالیت آموزشی در نظر گرفته شود و در عین حال شاید بتوان علاوه بر نکات فوق در رابطه با هر موضوع ویژگی خاصی را برای رسانه آموزشی مربوط در نظر داشت. در رابطه با آموزش زبان که مورد نظر ماست مانند هر آموزش دیگر اجرای آن نیاز به بهره گیری از

نخست بهتر است بدانیم که منظور ما از «رسانه» آموزشی چیست. بطور کلی رسانه آموزشی بکلیه امکاناتی اطلاق می شود که می توانند شرایطی را در کلاس بوجود آورند که تحت آن شرایط، شاگردان قادرند اطلاعات، رفتارها و مهارتهای جدیدی را یاد درک کامل بدست آورند. با این تعریف معلم، کتاب درسی و کلیه نشریات آموزشی، تخته سیاه و آنچه در اطراف شاگرد وجود دارد رسانه محسوب می شود.

یک رسانه آموزشی مناسب بایستی دارای شرایط زیرین باشد:

۱ - تناسب و هماهنگی: بایستی بین رسانه آموزشی و موضوع پیام رابطه ای منطقی وجود داشته تا به کارگیری آن سبب تسهیل انتقال پیام گردد و نه پیچیدگی آن. مثلاً در زمینه آموزش الکتریک در خودرو از وسایل مربوط به سیستم سوخت رسانی آن نمی توان بهره گرفت. (۲ - سادگی: رسانه آموزشی بایستی به گونه ای انتخاب گردد که کاربرد آن ساده باشد، مشاهده و استفاده آن امر انتقال را آسان نموده، سرعت بخشد و در عین حال علاقمندی شاگرد را برانگیزد نه اینکه بر پیچیدگی پیام (موضوع درس) بیافزاید و باعث خستگی، دلزدگی و عدم درک محصل گردد. مثلاً برای آموزش مولد برق نبایستی از پیچیده ترین نوع آن بعنوان رسانه استفاده نمود.

۳ - تعمیر و نگهداری: ضمن دارا بودن



و در طول زمان با پیشرفت روشهای متفاوت این واقعیت نیز آشکار گردید که برای فراگیری زبان تنها از حواس شنوایی و بینائی بصورت ساده و معمولی آن نیابستی سود جست بلکه با خلق سیستم‌های سمعی و بصری مناسب و بکارگیری آنها می‌توان از حد‌اعلای توان این حواس زبان را سریعتر و آسانتر و در حد تکلم به خواستاران این وسیله ارائه نمود. ما امروزه شاهد رسانه‌های بسیار پیشرفته دیداری و شنیداری در زمینه آموزش زبان می‌باشیم، ولی هرچه شرایط و ویژگیهای این رسانه‌ها به الگوی ارائه شده نزدیکتر باشد بکارگیری آنها نیل به اهداف آموزشی را سریعتر، سهل‌تر، پایاتر، و اقتصادی‌تر می‌سازد و فقدان یا کمبود شرایط ملحوظ بهمان نسبت نیل به اهداف آموزشی را دیرتر، مشکل‌تر، فرآتر و گرانتر می‌نماید.

قبل از اینکه به ویژگیهای رسانه‌های آموزشی در گستره آموزش زبان پردازیم لازم است هدف از آموزش زبان را روشن مطرح نمود تا بتوان با دیدی واضحت‌تر به بررسی نکات مورد نظر پرداخت.

با توجه باینکه زبان وسیله‌ایست برای انتقال مفاهیم ذهنی در قالب الفاظ یا علائم قراردادی و عبارت دیگر زبان وسیله ارتباط بین اذهان می‌باشد که بدوگونه گفتاری (شفاهی)، نوشتاری (کتبی) مورد استفاده قرار می‌گیرد، لذا بطور اعم نوع آموزش و بطور اخص نوع رسانه آموزشی‌ئی که جهت اجرای این دو بعد از آموزش زبان در نظر گرفته می‌شود کاملاً با یکدیگر متفاوت می‌باشند. وقتی هدف از آموختن زبان گونه شفاهی یا گفتاری آن مد نظر باشد بایستی توجه داشت که آن بعد از زبان که مجموعه‌ای نظامی از علائم شنیداری می‌باشد مطرح است در صورتیکه در زبان نوشتاری مسئله کاملاً متفاوت و زبان بعنوان مجموعه‌ای (نظامی) از

علائم تصویری که قابل رؤیت می‌باشند مطرح می‌گردد و بهمین نسبت نوع رسانه آن متفاوت خواهد بود. آنچه در این بحث مورد نظر می‌باشد بعد شفاهی یا گفتاری زبان است و نه بعد کتبی یا نوشتاری آن.

در رابطه با بعد شفاهی زبان با توجه باینکه جنبه تولیدی زبان نسبت به جنبه شنیداری آن دارای اهمیت ثانوی است و گرایش به تکلم در افراد نخست در قلمرو صور شنیداری ذهن پای می‌گیرد و از آنجا به اعصاب کنترل‌کننده اندامهای گویائی منتقل می‌شود^۵ لذا مسئله شنیدن این علائم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و چنانچه این علائم آنطور که وسیله اهل زبان^۶ ادا می‌شود شنیده نشود خواه ناخواه در مرحله تولید نیز فاقد کیفیت اصلی بوده و لذا بعنوان وسیله‌ای مناسب در انتقال پیام و ایجاد ارتباط ناتوان و ضعیف خواهد بود. پس مسئله شنیدن در امر فراگیری زبان گفتاری یا شفاهی از اهمیت بسیار ویژه و والائی برخوردار می‌باشد بهمین مناسبت بهترین طریق در زمینه آموزش زبان گفتاری قرار دادن فراگیرنده در محیط بومی است تا به فراگیرنده این فرصت داده شود که علائم را بدون وجود واسطه و بطور مستقیم از اهل زبان فراگیرد ولی همانگونه که می‌دانیم مهیاً نمودن چنین امکاناتی برای کلیه افراد غیربومی تقریباً امری محال است و لذا سعی می‌شود با استفاده از نمونه یا الگو چنین محیطی بوجود آورده شود. برای نیل باین منظور بایستی همزمان از دو رسانه استفاده نمود یکی پیام‌دهنده که در زمینه‌های آموزشی این نقش توسط معلم ایفا می‌گردد و فعلاً مورد بحث نیست (هرچند بطور قطع معلم همواره طی ضوابط و شرایطی گزینده می‌گردد) و دیگری وسیله. بهمین مناسبت انتخاب نوع وسیله بعنوان رسانه آموزشی در امر آموزش زبان گفتاری دارای اهمیت بسزائی است زیرا انتخاب رسانه‌ای که قادر باشد علائم را هرچه طبیعی‌تر بر فراگیرنده

ارائه نماید پیام خالصتر و صحیحتر انتقال می‌یابد. عبارت دیگر با ایجاد محیطی طبیعی‌تر کیفیت پیام بهتر خواهد بود و در نهایت امر آموزش با کیفیت بهتری صورت می‌پذیرد.

با توجه بآنچه گذشت زمانیکه هدف از فراگیری زبان فقط جنبه شفاهی آن و یا زبان گفتاری مطمح نظر است ضروریست که هرکدام انتخاب وسیله بعنوان رسانه علاوه بر رعایت نکات ذکر شده در مقدمه رسانه‌ای انتخاب و بکار گرفته شود که بیشتر بر جنبه‌های شنیداری زبان تکیه نماید تا ابعاد دیگر آن. امروزه در ابداع و ساخت رسانه‌های آموزشی زبان پیشرفته‌های شگرفی حاصل شده و گونه‌های مختلفی در زمینه رسانه‌های دیداری، شنیداری و دیداری - شنیداری بوجود آمده که در امر آموزش زبان در جوامع مختلف مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و بشرح زیر می‌باشند:

- الف - رسانه‌های دیداری.
 - ۱ - انواع تصاویر، عکسها، پوسترها، تابلوها، چارته‌ها، کارته‌ها و نقشه‌ها.
 - ۲ - انواع شفافها^۷
 - ۳ - انواع اسلایدها.
 - ۴ - انواع فیلمهای صامت.
 - ب - رسانه‌های شنیداری.
 - ۱ - انواع صفحات گرام.
 - ۲ - انواع نوارهای صوتی.
 - ۳ - برنامه‌های آموزشی رادیوئی
- (توضیح اینکه استفاده از نوار صوتی آسانترین نوع رسانه شنیداری است لذا امروزه سعی می‌شود که مطالب صفحات گرام و همچنین برنامه‌های رادیوئی هم روی نوارهای صوتی ضبط و در مواقع مناسب مورد بهره‌برداری قرار گیرند.)
- بدیهی است برای بهره‌گیر از هر یک از رسانه‌های فوق‌الذکر بطور مستقیم نمی‌توان سودجست و بایستی توسط واسطه‌هایی مورد استفاده قرار گیرند. مثلاً برای استفاده از

How Translation Helps

Ever since people started doubting about the theoretical aspects of grammar – translation method, which is mainly based on the use and importance of translation, its use in the classroom especially in the early stages of learning has been frowned at. Regardless of all the frownings and rejections, however, some teachers are still employing this method in their teachings and in some cases are quite successful.

When the teacher uses all the techniques and methods he knows to explain an idea and still faces the blank looks in the students' eyes, meaning there has been no communication and that the students do not get a word of what is being taught, he finds himself performing a "dumbshow" and consequently is obliged to make use of translation. For instance, in certain cases pictures, dramatization, gestures, and so on do help the teacher to convey the idea, but unfortunately they cannot always be useful especially when teaching abstract ideas. And thus the students are very likely to get the wrong idea which is even worse. So translation is sometimes. However, if there is to be a translation involved, teacher's translation is preferred to the students, so that any misunderstanding on the learner's part will be avoided.

Still a more crucial question: What type of translation should be used and to what extent? Some teachers have the tendency to give the equivalent of each and every word in the students' mother tongue, a word-for-word translation recommended even by translators themselves; They themselves do not use this type of translation except in rare cases. If we are to give translation, it would be wise to give the equivalent of the whole sentence; that is, to help the learners grasp the whole message intended. However if teaching a foreign language, occasions arise when translation of single words is justifiable. For instance, if there is only one unknown word in the whole text, it is more economical to give the learner a quick translation of that single word.

When teaching English, we somehow create a new cultural and mental atmosphere which surrounds the students and forces them to think, speak, and react in accordance with that situation. This new

K. Mahmood - zadeh
Allameh-Tabataba'i University

atmosphere helps them understand and accept English and anything taught in it. Now, we can easily destroy all this by throwing translations most of the time – a weak point for translation. But if we look at translation from a different angle we will come to this conclusion that in some cases it is not only NOT useless but also quite helpful. In certain cases the teacher finds himself unable to convey the meaning of an English word or phrase, and thus finds communication impossible. For instance, the meaning of enthusiasm, ago, once upon a time, by means of, dead-right, regardless of cannot be conveyed except through translation. (For some abstract ideas, it is possible to give several examples with no translation to clarify the idea. However, this is not possible in all cases, if possible it will be time consuming and worthless.

Our objective, as teachers of English, is to get the meaning across in the quickest way possible. The student will not be satisfied unless he finds a logical and acceptable equivalent for the new item in his mother tongue. He will be searching for it in his mind. So, why not give it to him right at the beginning and move on to the teaching more important points.

By the time the new item has become perfectly understood, translation, will no longer give any satisfaction. Here it is for the teacher to take advantage of the situation and stick to English again in order to maintain the atmosphere he has created.

So far we have agreed that translation is needed, but we should not take it for granted that it is always required and thus end up teaching English in Farsi. When the students have gotten to a stage where communication in English is possible, there is no need for translation.

Here we may draw our conclusion that translation can still be used with good consequent outcome; further, we should not throw it at any time or under any circumstances but should use it sparingly. We should only use it as the quickest way of transferring concepts only after other methods and techniques fail. Finally, when the teacher finds he can easily communicate with his students and share different concepts and ideas, he must not make use of translation, nor must he ask them to do so.

اسلاید بایستی از پروژکتور استفاده نمود و برای بهره گیری از نوار صوتی بطور مسلم بایستی از دستگاه (های) ضبط و پخش صوت استفاده نمود که بدون تردید در رابطه با بکارگیری هریک از وسایل مورد بحث بایستی هدف آموزشی را در نظر گرفت برای مثال اگر منظور از آموزش زبان تقویت مهارت شنیداری باشد بایستی فقط از دستگاههای پخش استفاده نمود. و در صورتیکه هدف تکلم باشد حتماً بایستی علاوه بر مهارت شنیداری توان تکلم را نیز در فراگیر تقویت نمود و انجام این امر عملی نیست مگر اینکه علاوه بر دستگاه پخش از دستگاه ضبط نیز بهره گرفته شود و لذا بایستی رسانه ای را انتخاب نمود که همزمان توان ضبط و پخش را داشته باشد تا فراگیر را قادر سازد همزمان بشنود و تکلم نماید یعنی زبان گفتاری (گوشی) را تولید نماید. برای انتخاب چنین رسانه ای علاوه بر نکات فوق شرایط ذکر شده در ابتدای بحث نیز بایستی بطور دقیق مدنظر قرار گیرد در غیر این صورت نه تنها نیل به هدف آموزشی امکان پذیر نخواهد بود بلکه علاوه بر اتلاف وقت، انرژی، بودجه و مواد اولیه احساس بدبینی و تنفر فراگیر نسبت به پیام (موضوع و مطلب درس) مورد نظر ایجاد و تقویت خواهد شد و حاصل فعالیت عبث، بیهوده و مضر می باشد.

منابع و پانوشتها

- ۱ - کاربرد مواد آموزشی «جلد اول صفحه ۱۸» تألیف دکتر شهناز ذوفن، دکتر خسرو لطفی پور
2. SPOKEN FORM.
3. WRITTEN FORM.
4. AUDITORY IMAGERY.
5. SAPIR'E, LANGUAGE, HARVEST BOOKS, PP, 17 - 18.
6. NATIVE SPEAKER OF LANGUAGE
7. TRANSPARENCY.

activities on reading seems quite justifiable. Commitment to this line of thinking, necessitates convincing answers to the following questions:

1. With inefficient language ability, is efficient reading possible?
2. Is it possible to learn a foreign language through reading?
3. How can we initiate our students into efficient reading?

To answer these questions, an attempt should be made to provide for two more basic questions, namely, we need to consider what reading a foreign language is and what the requirements of reading efficiently are.

A six-year old taken to learn to read already knows its mother tongue. Learning to read in this case, is to relate this known language to its visual representation. Therefore, at the beginning stages the relationship is from language to reading, that is, since the child knows the language, the moment he discovers the relationship between the black marks on the white paper and the language he knows, he is expected to understand what he reads. As he grows up, his language experience, his reading experience, and his knowledge of the world develop. The relationship, then, is no longer only from language to reading. Reading may help him to improve his language ability, his knowledge of the world, and his cognitive ability.

Our typical secondary-school student, unlike the six-year old, when he comes to read a foreign language in addition to the problem of the code and mastering the mechanical aspects of reading, is held up by problems of a foreign language and culture, inability to predict the basic content and the sense of what he is about to read, feeling of insecurity, and, most probably, poor reading habits developed when learning to read his mother tongue. The complex process of learning to read one's own language becomes even extremely more complex when one tries to learn to read a foreign language.

The answers to the questions mentioned above must not be too difficult to word now. Students can not be expected to read efficiently if:

1. their language ability is not efficient;
2. they have not acquired mechanical

aspects of reading skills;

3. they have serious pronunciation problems;

4. they are not yet familiar with certain devices or markers of the written form of the foreign language;

5. they do not have yet the proper familiarity with the foreign culture and lack the necessary social and educational background.

It seems to be obvious by now that unlike learning to read one's own language, which is a step by step process and its crucial step is breaking the code, the reader has many helpful devices at his disposal to assist him read better and faster. When a secondary-school student learns to read a foreign language, breaking the code, in the sense of relating the alphabets to their respective sounds, is not a difficult undertaking. With the help of an average teacher, any student may achieve this much; the real problem, however, lies in the attempt to relate these visual marks to the meaning fluently and efficiently. Following are some suggestions to this end:

1. In our attempt to teach language through reading, we almost forget to teach reading as a skill. Our effort to learn a language will not automatically result in the ability to read in that language. Therefore from the earliest stages our syllabus, textbook, and methodology should provide for efficient reading.

2. Too much work on only one purpose of reading, i.e. improving language ability, can turn reading into a drudgery and destroy what would otherwise be an enjoyable activity. Traditionally, the form and content of textbooks and their exploitation in classrooms focus on the intensive type of reading for the purpose of analysing every structural problem in the text. In the teaching of language as well as reading what is needed is basically a good balance of time and space spent on all types, purposes, and components of reading. This balanced treatment of all components of efficient reading is quite attainable.

3. Textbooks for these purposes should provide passages, instructions, and exercises of various types for private study at home as well as for classroom activities. The passages selected for inclusion in a unit should be at least of three types suitable to

practice the three types of abilities, which an efficient reading is composed of, i.e. perceptual, linguistic, and cognitive abilities. A passage containing too many language problems can not be possibly used for practicing mechanical reading skills. However, it is not at all intended to imply that three passages be put together in every unit. An interesting passage which is simple enough for practicing reading skills, could also contain information about language, culture, study skills and, therefore, be suitable to be used for cognition development purposes, as well.

4. Three hours per week, the time assigned for foreign language teaching in our school curriculum, is not sufficient at all to be able to do all this. A teacher's main job should, then, be to motivate his students to do most of the work outside the classroom, at home. In the classroom, students will work in small groups, trying to arrive at common group answers to questions. The teacher goes round the groups prompting and directing the discussions.

To sum up points discussed so far, a typical student comes to learn to read a foreign language without proper reading readiness. To help him learn to read beyond initial, mechanical stages of reading, the following are suggested:

1. Learn more about Reading Readiness in learning to read a foreign language.

2. Provide for all components of efficient reading from the start.

3. Maintain a good balanced treatment of all the components rather than let one take over the rest.

4. Include in each unit short different passages suitable for different purposes.

5. All work need not be done in the classroom. Part of the work can be done individually at home, part in small groups under the guidance of the teacher.

6. Questions are compiled to train, not to test. Some standard questions should help students develop reading skills and passage-specific-questions should specify the potential sources of misunderstanding in each passage.



انگلیسی، فرانسه و آلمانی در مدارس و دانشگاههای ما بعنوان «زبانهای خارجی» یاد داده می‌شوند. این جمله به این معنی است که دانش‌آموزان و دانشجویان، جهت برقراری ارتباط با یکدیگر نیازمند تسلط به این زبانها نیستند بلکه آنها را صرفاً جهت دستیابی به هدف‌هایی غیر از هدف ایجاد ارتباط مستقیم با یکدیگر می‌آموزند. توجه به این نکته موجب شده است که بعضی از دست‌اندرکاران آموزش زبان‌های خارجی در کشور ما و اغلب کشورهای دیگر از این اندیشه حمایت نمایند که می‌توان به جای آموزش کلیه مهارت‌های زبانی تمام هم خود را معطوف آموزش مهارت خواندن نمود. بی‌روی از این طرز تفکر پرسش‌های زیر را پیش می‌آورد:

۱- آیا می‌توان به کسی که به زبان خارجی تسلطی ندارد خواندن آن زبان را آموخت؟

۲- آیا آموزش خواندن بدون توجه به دیگر مهارت‌های زبان امکان‌پذیر است؟

۳- کدام روش آموزش و کدام مطالب درسی ما را در راه رسیدن به هدف بیشتر

یاری خواهد کرد؟

این نوشته کوتاه سعی در یافتن پاسخ‌هایی به این پرسشها را دارد و در تشریح این نکته می‌کوشد که: اگرچه انتخاب مهارت خواندن بعنوان هدف اصلی آموزش زبان‌های خارجی قابل توجیه می‌باشد ولی آموزش خواندن به نحو مفید و مؤثر بدون توجه به دیگر مهارت‌های زبان امکان نخواهد داشت. بعلاوه این طرز تلقی موجب پیدایش روشهای نادرست تدریس و تألیف کتابهای درسی غیر مفید خواهد بود. در ضمن، این نوشته اشاره بر این نکته نیز دارد که می‌شود با تأکید بر مهارت خواندن یک زبان خارجی را آموخت ولی باید تغییرات اساسی در روشهای تدریس و نیز محتوای کتاب‌های درسی را پذیرا شد.

Suggestions about Teaching Foreign Language Reading

J. B. SADEGHIAN
Allameh - Tabataba'i University

English, French, and German are taught as 'Foreign' languages in our schools. This

simply means that our students do not and need not learn these languages as direct

means of communication. Therefore, some believe, focussing all our learning/teaching

5. In the same item, the alternatives should be of similar length, difficulty, and type of grammatical structures.

In other words, one alternative should not be outstandingly longer than, or distinctly more difficult than the others.

Or if, for example, alternatives are all of the noun class of words, using one alternative from the adjective class is not appropriate.

There are some additional guidelines for writing test items. However, due to space limitations here, the reader is referred to the books on language testing cited in the bibliography. In writing items, the above-mentioned guidelines should be carefully taken into account. The next step would be to have the items reviewed.

Reviewing Test Items

It is a generally accepted principle that test construction is a team work. An individual, no matter how expert one may be, is potentially subject to making mistakes. Therefore, to minimize the pitfalls, test items should be reviewed by a team of experts. These experts would critically examine the correspondence between test content and the table of specifications. They would also consider the form, level of difficulty, and the appropriateness of the items. After reviewing the items the experts would offer some subjective comments for modifications of these items. After the test developer made necessary modifications, the first draft of the test would be ready to go under the scrutiny of the pretesting step.

Pretesting

After planning, writing, and reviewing the items, the test should be pretested. Pretesting, a very crucial step in constructing a test, refers to administering the test to a group of examinees who are similar in knowledge to the target group. The purpose of pretesting is to determine the characteristics of individual items. As mentioned before, in writing and reviewing the items, the judgements are subjective and the suggestions are based on the experience of the reviewers. In pretesting, however, statistical characteristics of each item are objectively determined. Items which do not meet statistically accepted standards would be either modified or discarded. Determining these characteristics, referred to as

"item analysis", includes determining item facility (or difficulty), item discrimination, and choice distribution. Each will be discussed briefly.

Item Facility (IF)

Item facility (sometimes called item difficulty) refers to the proportion of correct responses given to a certain item. For example, if sixty out of one hundred examinees give correct response to a particular item, the item facility will be calculated to be .60 according to the following formula:

$$IF = \frac{\text{number of correct responses}}{\text{total number of responses}} = \frac{60}{100} = .60$$

If we consider the proportion of incorrect responses given to an item, the calculated value will be the item difficulty for that item. In the example above, the

$$\text{Item Discrimination} = \frac{\text{number of correct responses in the high minus group} - \text{number of correct responses in the low group}}{\text{total number of responses}}$$

— of the total number of responses

item difficulty will be .40 as calculated from the following formula.

$$\text{Item difficulty} = \frac{\text{number of wrong responses}}{\text{total number of responses}} = \frac{40}{100} = .40$$

It should be clear that either item facility or item difficulty ranges from 0 to 1. It should also be clear that by subtracting the value of item facility from 1, the value of item difficulty can easily be determined. Finally, it should be obvious that the higher item facility, the lower item difficulty, and thus the easier the test item. For example, an item facility of zero is an indication of an item difficulty of 1. It means that nobody has given a correct response to that item. Thus, the item is too difficult. On the other hand, an item facility of 1 refers to the item to which every body had given a response. Thus, that item is very easy. The criterion for an acceptable level of item facility depends on the function of the test. However, as a generally agreed upon convention, item with facility indexes below .30 and above .90 are recommended to be either modified or discarded. Ideal values of item facility for true-false, three choice, four-choice, and five-choice items are .75, .67, .63, and .60 respectively.

Item Discrimination (ID)

(One of the many purposes of testing is to distinguish more knowledgeable examinees, from less knowledgeable ones.) Each item of the test, therefore, should contribute to accomplishing this aim. That is, each item in the test should have a certain degree of power to discriminate examinees on the basis of their knowledge. Item discrimination refers to this power in each item. In order to calculate item discrimination (ID), the total score on the test are ranked. Ranking means to list the scores from the highest to the lowest. Then the scores are divided into two parts: high and low. Finally the number of examinees who has given correct responses to a particular item in each group would be counted, and these numbers would be utilized in the following formula.

Item discrimination, like item difficulty, usually ranges from 0 to 1. The acceptable range for ID is between .30 to .90. However, it is possible to obtain a negative ID in some cases. This means that more examinees in the high group missed the item than those in the low group, indicating that the item is probably inappropriate. It is also possible for an item to have a good index of IF but a weak ID or vice versa. In either case, the item should be modified or discarded.

Based on the results of item analysis, modifications needed to improving the test item should be made. These modifications may include changing a distractor, stem, complete item, or discarding and item altogether. At this time, the pre-final draft of the test would be ready. This test, of which the items have reasonably acceptable characteristics, should go through one more step, referred to as validation.

In this last step, the characteristics of the total test including validity and reliability would be determined. These characteristics will be discussed in the next issue.

I wish to express my gratitude to professor Maftoon for his insightful comments on the earlier draft of this paper.

Fundamental Concepts in Language Testing

III. Characteristics of Language Tests

A. Item Characteristics

Hossein Farhady

University for Teacher Education

In previous sections, two of the fundamental concepts in language testing functions and forms – were discussed. In this section, the third fundamental concept characteristics of a good test, will be explained. As mentioned before, a test consists of a certain number of items. Therefore, an explanation of the individual item characteristics would facilitate the discussion about characteristics of the total test. Item characteristics are determined through systematic step with in the process of test construction. For the sake of clarity, this section will be divided into different subsections, each devoted to a particular topic related to determining characteristics of a good test. This first subsection deals with steps involved in constructing a test and determining item characteristics. Total test characteristics will be treated in the subsequent subsections.

Steps in Constructing a Test

Teachers who have somehow been involved in preparing test items, whether for their classrooms uses, or for other purposes, would agree that constructing a test is not an easy task. It requires a variety of skills along with a deep knowledge in the area for which the test is to be constructed. In addition, preparing a test commands some technical information. In spite of differing views on the steps in test construction, there are certain principles upon which most scholars agree. These steps include (a) planning, (b) writing, (c) reviewing, (d) pretesting and (e) validation. Each will be discussed briefly.

Planning

The first step in constructing a test is to determine the content, the scope of the test, as well as the manner in which test items should be developed. This process is referred to as "planning a test" In the planning stage, one should determine the materials upon which test items are to be based. For example, to construct a grammar test, all grammatical elements, that could be potentially included in the test, should be

listed. Then, regarding the extent and importance of each element, the number of items devoted to each particular element should be determined. Finally, the form of the items, whether multiple-choice, true/false, etc, must be decided upon. In order to follow these procedures, a table of specifications has to be prepared which contains essential information about the test. For illustration purposes, tables similar to the one presented below, can be used for the specifications of a grammar test.

a sample table of specifications

content	number of items	from of the items
tenses	10	recognition
prepositions	5	recognition
determiners	4	production
modifiers	3	recognition
conditionals	5	production

It should be noted that each element in this table should be categorized into its detailed subcomponents. For example, "conditionals" would be broken into four types (three for rule governed types and one for exceptional cases). Then the number of items for each subcomponent would be specified.

Thus, by preparing a table of specifications, the nature of the test, including content, form, and the frequency of the items would be determined. Then, on the basis of these specifications, the second step in constructing a test, namely writing test items would be possible.

Writing Test Items

Writing test items is a very delicate activity which requires a great deal of care and expertise. It is a dangerously oversimplified belief that every teacher is able to write reasonably acceptable items. Of course, informal tests, or tests of which the scores do not have determining influence upon the examinees' career, may be even prepared by classroom teachers. However, for preparing formal tests, of which the results would be of critical significance, the

experts in the field should be called upon for help.

In spite of the complexity of the task, there are certain guidelines for writing test items. These guidelines, presented below, are very important and should be carefully taken into consideration when constructing items.

1. In instructions must be quite clear to the examinees, complicated syntax, difficult vocabulary, and ambiguous directions should fully understand what s/he is supposed to do with the test. In this regard, there is no objections to using the examinee's mother tongue when necessary.

2. The items should not test the examinee's general knowledge. This may often happen in reading comprehension tests. The following sample item, even if extracted from a passage, is not recommended because it aims at testing the general knowledge of the test-taker.

According to the passage, Europe is a _____

1. country
2. city
3. state
4. continent

To avoid such deficiencies, it is desirable to have a few people respond to the test items without reading the passage. Items that be answered without reading the passage should be considered as a general-information item and thus should be discarded.

3. All the choices or alternatives must be grammatically correct by themselves.

However, the distractors should produce ungrammatical statements when used in the stem. The following sample item is not recommended.

Ali _____ to school yesterday.

1. went
2. goed
3. has go
4. have gone

Distractors 2 and 3 are non-existent in the English language. They are grammatically wrong in isolation regardless of the test item. This type of alternatives should be definitely avoided.

4. Items should not start with a blank. Regarding research findings in educational psychology, one should proceed teaching from known. Testing, which is a problem solving activity, should also follow the same procedure. A blank at the beginning of an item implies starting from unknown to known which is against the principles of education.

اطلاعیه

درباره نشریات رشد آموزش تخصصی

مجلات رشد آموزش مواد درسی مدارس کشور نشریاتی است که از سوی گروههای درسی دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش با همکاری دفتر امور کمک آموزشی هر سه ماه یکبار - چهار شماره در سال - منتشر می شود.

این نشریات در حال حاضر عبارتند از:

- | | |
|---------------------|--------------------------|
| ۱ - رشد آموزش ریاضی | ۵ - رشد آموزش زمین شناسی |
| ۲ - رشد آموزش زبان | ۶ - رشد آموزش ادب فارسی |
| ۳ - رشد آموزش شیمی | ۷ - رشد آموزش جغرافیا |
| ۴ - رشد آموزش فیزیک | ۸ - رشد آموزش زیست شناسی |

هدف از انتشار این نشریات در وهله اول از آتقاء سطح معلومات معلمان و در مرحله بعد ایجاد ارتباط متقابل میان معلمان هر رشته و دفتر تحقیقات به منظور تبادل تجارب و مطالب جنبی و مفید درسی است.

دیران، دانشجویان دانشگاهها و مراکز تربیت معلم و سایر علاقه مندان به اشتراک این مجلات می توانند جهت اشتراک هر چهار شماره از یک مجله در سال مبلغ ۴۰۰ ریال به حساب ۹۲۹ خزانه بانک مرکزی - قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی - واریز و فیش آن را همراه با فرم تکمیل شده زیر به نشانی تهران، صندوق پستی شماره ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱ دفتر امور کمک آموزشی - مرکز توزیع ارسال دارند. شماره تلفن مرکز توزیع: ۸۳۱۴۸۱

محل فروش آزاد
الف - تهران:

- | | |
|---|---|
| ۱ - کتابفروشی شهید سید کاظم موسوی - اول خیابان ایرانشهر شمالی | ۳ - آذربایجان غربی (ارومیه) - مطبوعاتی زینال پور. |
| ۲ - فروشگاه انتشارات رشد - خیابان انقلاب بین ولی عصر و کالج. | ۴ - اصفهان - کتابفروشی مهرگان و کتابفروشی جنگل. |
| ۳ - مرکز نشر دانشگاهی - نمایشگاه دائمی کتاب. | ۵ - مازندران (ساری) هماهنگی گروههای آموزشی استان |
| ۴ - نمایشگاه دائمی کتاب کودک - روبروی دانشگاه تهران. | ۶ - کرمان - بازار مطهری - فرهنگسرای زمین. |
| ۵ - کتابفروشی صفا - روبروی دانشگاه تهران. | ۷ - خرم آباد - خیابان شهدای شرقی، کتابفروشی آسیا |
| ۶ - کیوسکهای معتبر مطبوعات | ۸ - مشهد - فروشگاه شماره یک انتشارات آستان قدس |
| ۷ - شرکت کتاب طب و فن روبروی دانشگاه | ۹ - تبریز - کتابفروشی علامه دهخدا |
| ۸ - کتابفروشی انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم | ۱۰ - اصفهان - کتابفروشی رودکی |

ب - شهرستانها:

- | |
|---|
| ۱ - باخران - کتابفروشی دانشمند - خیابان مدرس پاساژ ارم. |
| ۲ - آذربایجان شرقی (تبریز) - مطبوعاتی ملازاده. |

توجه، دانشجویان مراکز تربیت معلم می توانند با ارسال فتوکپی کارت تحصیلی از ۵۰٪ تخفیف برخوردار شوند.



فرم اشتراک مجلات رشد تخصصی

اینجانب _____ با ارسال فیش واریز مبلغ ۴۰۰ ریال، متقاضی اشتراک یکساله مجله رشد آموزش _____ هستم.

نشانی دقیق متقاضی: استان _____ شهرستان _____ خیابان _____ کوچه _____ پلاک _____ تلفن _____

Roshd

Foreign Language Teaching Journal

Vol. II, No. 1, 1986.

Roshd Foreign Language Teaching Journal (FLTJ) is published four times a year under the auspices of the Organization of Research & Educational Planning, Ministry of Education, Iran.

Contribution to Roshd FLTJ:

The Editorial Board welcomes previously unpublished articles on foreign language teaching/ learning, particularly those based upon experiences gained from and/or researches done at Iranian schools.

Manuscripts:

If you intend to submit an article for publication, please send three type-written copies of your manuscript together with three copies of its abstract to:

**J.B. Sadeghian
P.O. Box 14155 - 5496
Tehran, Iran.**

A manuscript in Farsi is to be accompanied with an English abstract, and if in English, French, or German with a Farsi abstract.

The opinions expressed in Roshd FLTJ are the contributors' and not necessarily those of the Ministry of Education or the Editorial Board.

ROSHD

Foreign Language Teaching Journal

Vol. 2. No.5, 1985

100 Rls

